

مردم‌سالاری مشارکتی در سطح محلی (۱): مبانی و روش‌ها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۲۰۱۸۰
کد موضوعی: ۲۶۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۳/۸/۱۵

عنوان گزارش:

مردم‌سالاری مشارکتی در سطح محلی (۱):
مبانی و روش‌ها

نوع گزارش:

طرح و لایحه □، نظارتی □، راهبردی ■

نام دفتر:

مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

تهیه و تدوین:

حسن کریمی‌فرد

اظهارنظرکننده:

توحید اسماعیل‌پور (دفتر مطالعات حکمرانی)

ناظر علمی:

مهدی امیری

گرافیک و صفحه‌آرایی:

زهرا دلاوری

ویراستار ادبی:

سیده مرضیه موسوی راد

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۳/۰۲/۰۱

واژه‌های کلیدی:

۱. مردم‌سالاری مشارکتی
۲. مشاوره
۳. تصمیم‌گیری
۴. سیاستگذاری
۵. شوراهای محلی
۶. حکومت محلی



فهرست مطالب

۶	چکیده.....
۷	خلاصه مدیریتی.....
۹	۱. مقدمه.....
۱۲	۲. پیشینه پژوهش.....
۱۲	۲-۱. سوابق مطالعاتی در مرکز.....
۱۲	۳. مردم‌سالاری مشارکتی در سطح محلی.....
۱۴	۴. اهمیت مشارکت مردم در سطح محلی.....
۱۵	۴-۱. تغییر گفتمان بوروکراتیک.....
۱۶	۴-۲. ناامیدی از بوروکراسی.....
۱۶	۴-۳. جستجوی ایدئال دمکراتیک.....
۱۶	۴-۴. نیاز کشورهای در حال پیشرفت.....
۱۷	۵. مبانی و سازوکارهای مشارکت در اسلام.....
۱۸	۵-۱. مبانی فقهی مشارکت.....
۲۰	۵-۲. سازوکارهای مشارکت.....
۲۲	۶. الگوهای مشارکت در سطح محلی.....
۲۳	۶-۱. جمع‌آوری و انتشار اطلاعات.....
۲۴	۶-۲. مشاوره عمومی.....
۲۵	۶-۳. فرایندهای تصمیم‌گیری.....
۲۷	۶-۴. حل‌وفصل مجادلات عمومی.....
۲۸	۷. ارزیابی فرایند تصمیم‌گیری مشارکتی.....
۲۹	۸. نتیجه‌گیری.....
۳۰	منابع و مآخذ.....

فهرست جدول

۱۱	جدول ۱. تفاوت بین دمکراسی نمایندگی، مشورتی و مشارکتی.....
----	---



مردم‌سالاری مشارکتی در سطح محلی (۱): مبانی و روش‌ها

چکیده



و تصمیم‌گیری هستند. حکمرانی محلی با مشارکت معنادار و قدرتمند شهروندان، اولین حلقه مردم‌سالاری را شکل می‌دهد و بنیان نهادن سازوکارهای موفق در این سطح می‌تواند به به‌کارگیری این ترتیبات نهادی موفق در سطح ملی منجر شود. گزارش پیش‌رو به توصیف و بررسی مردم‌سالاری نمایندگی، مشارکتی و مشورتی می‌پردازد و ضمن بیان اهمیت مردم‌سالاری مشارکتی در سطح محلی، به الگوهای مشارکت در سطح محلی و نحوه ارزیابی فرایند می‌پردازد و توصیه‌هایی را برای کاربرد الگوهای مشارکتی در سطح محلی ارائه می‌دهد.

دمکراسی نمایندگی، همواره با چالش‌ها و خواسته‌هایی از جمله تقلیل نقش آفرینی مردم به هر چهار سال و تضعیف اعتماد به احزاب و گروه‌های سیاسی از سویی و قدرتمند شدن جامعه و مطالبه پاسخ‌گویی مقامات و تمایل به مداخله بیشتر در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری از سوی دیگر مواجه بوده است. از این‌رو مردم علاوه بر رأی دادن، خواستار اظهار نظر در مسائل سیاستی هستند. بی‌شک کاهش نقش مردم به رأی دادن منجر به شکل‌گیری مردم‌سالاری حداقلی و شکننده خواهد شد. از این‌رو کشورهای مختلف در سطوح متفاوت حکمرانی پیگیر درگیر کردن مردم در فرایند سیاستگذاری



بیان / شرح مسئله

در مردم‌سالاری نمایندگی؛ شهروندان می‌توانند از طریق حق رأی همگانی بر فرایندهای تصمیم‌گیری و سیاستگذاری تأثیر داشته باشند. مشارکت شهروندان در انتخابات برای تعیین نمایندگان در هر تعریفی از مردم‌سالاری یک بخش ضروری محسوب می‌شود. با این حال نامزدها و احزاب سیاسی به میزان اندکی برنامه‌های خود را برای پس از به قدرت رسیدن به طور روشن و شفاف بیان می‌کنند. در بسیاری از کشورها نیز به ندرت به وعده‌های داده‌شده در طول رقابت‌های انتخاباتی عمل می‌شود. از این رو دموکراسی نمایندگی همواره با چالش‌هایی از جمله کاهش اعتماد، عدم حضور مردم در انتخابات و تقلیل مقبولیت سیستم سیاسی، عدم آینده‌نگری و ترجیح سیاست‌های کوتاه‌مدت متناسب با دوره نمایندگی و افزایش ناامیدی از امور سیاسی روبه‌رو است. تازمانی که تنها راه مشارکت شهروندان، رأی دادن است، دموکراسی حداقلی و شکننده خواهد بود. این مسئله به‌ویژه در سطح محلی به‌عنوان اولین سطح تماس مردم با سیستم حکمرانی حائز اهمیت است.

نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

■ افزایش اعتماد به دولت و نهادهای مردم‌سالاری از طریق اعطای نقش مؤثرتر به شهروندان در فرایند حکمرانی حاصل می‌شود. سازوکارهای مشارکت شهروندان را می‌توان به دو دسته کلی «حق رأی» و «حق اظهار نظر» تقسیم کرد. حق رأی پاسداشت حقوق ملت در اداره امور و صیانت از حق حاکمیت مردم است. مشارکت از حیث «حق اظهار نظر» نیز در جایی اتفاق می‌افتد که مردم از قدرت تأثیرگذاری بر اتخاذ، پیاده‌سازی، نظارت و ارزیابی تصمیمات مرتبط با مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برخوردار باشند و همچنین بتوانند پاسخ‌گویی مقامات را مطالبه کنند.

■ در دنیای امروز که مردم یک جامعه خواهان شفافیت و پاسخ‌گویی بیشتر از طرف مقامات هستند، بسیار مهم است که دولت‌ها در کنار انتخابات، ابزارهایی را توسعه دهند که نیازهای فزاینده را برآورده و روش‌های مکملی را برای مشارکت فراهم کنند تا صدای شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری بهتر و

بیشتر شنیده شود. هدف به‌هیچ‌وجه این نیست که روش‌های مشارکتی جایگزین دموکراسی نمایندگی شوند، بلکه قرار است مکمل باشند و از آنها به‌عنوان ابزار مفیدی برای استحکام بیشتر فرایند سیاستگذاری استفاده شود.

■ در بسیاری از نظام‌های سیاسی به دلیل تأکید بر اصلاحات در سطح ملی (مانند اصلاح یا تأسیس نهادها و فرایندهای سیاسی جدید، انتخابات ریاست جمهوری و مجلس) بهبود حکمرانی در سطح محلی کمتر مورد توجه بوده است. در صورتی که تسهیل مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها پایه و اساس مردم‌سالاری محلی محسوب می‌شود. حکمرانی محلی با مشارکت معنادار و قدرتمند شهروندان، اولین حلقه مردم‌سالاری را شکل می‌دهد. ■ موضوع حائز اهمیت آن است که هرچند در ابتدا برای تمرکززدایی انتقال منابع و وظایف جهت بهبود نتایج مدیریتی و ارائه خدمات مورد توجه قرار گرفت، اما به مرور تغییر در این فرایند رخ داد و رابطه دولت و شهروندان در کانون تمرکززدایی قرار گرفت. در حال حاضر توانمندسازی و مشارکت شهروندان یکی از ارکان موفقیت تمرکززدایی محسوب می‌شود. پتانسیل تمرکززدایی در زمینه مشارکت بیشتر مردمی از طریق انتخابات محلی و ایجاد فرصت جهت مداخله در تصمیم‌گیری عمومی، نقش کلیدی در حرکت به سمت تمرکززدایی داشته است.

■ اگر فرایندهای مشارکتی به‌طور مؤثر اجرا شوند، سیاستگذاران می‌توانند تصمیمات دشواری را در مورد مشکلات چالش‌برانگیز اتخاذ کنند و اعتماد بین شهروندان و دولت را افزایش دهند. فرایندهای مشارکتی فرصتی را برای رسیدن به راه‌حل‌های بهتر فراهم می‌کنند. زیرا از خرد جمعی و تنوع شناختی و دانشی بهره می‌برند. همچنین فرایندهای مشارکتی می‌توانند باعث شوند که تصمیمات عمومی توسط افراد بیشتری مورد حمایت قرار گیرند. زیرا مردم به تصمیم اتخاذشده توسط افراد معمولی بیشتر از تصمیم اتخاذشده توسط دولت پشت درب‌های بسته اعتماد می‌کنند. علاوه بر این، فرایندهای مشارکتی به افزایش سطح دانش مشارکت‌کنندگان در مورد مسائل، ایجاد ظرفیت اجتماعی و کارآمدی سیاسی کمک می‌کنند.

■ فرایندهای مشارکتی بخش وسیع‌تری از جامعه را دربر می‌گیرند



نماینده‌گی) در اداره امور کشور تأکید شده است. مهم‌ترین نهادی که در راستای تسهیل مشارکت مردم در سطح محلی و در قانون اساسی پیش‌بینی شده است، **شوراهای اسلامی شهر و روستا** به عنوان شوراهای پایه می‌باشند که اصل هفتم قانون اساسی در کنار مجلس شورای اسلامی از آنها به عنوان «ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور» یاد می‌کند.

پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

■ ارائه کارآمد خدمات و حل و فصل چالش‌ها و مشکلات نیازمند همکاری دولت و جامعه است. به عبارت بهتر حکمرانی کارآمد منوط به آن است که محدودیت‌های اقدام دولت و نیز قدرت و چابکی نهفته در جامعه تصدیق شوند. افزایش روزافزون نشانه‌هایی که دلالت بر افول اصلی‌ترین ابزارهای مردم‌سالاری نمایندگی دارند - از دو منظر ظرفیت برای جلب مشارکت و ایجاد اعتماد به تصمیمات دولت - شدیداً احساس می‌شود که ضروری است از طریق ایجاد فرصت مشارکت در ساختار مردم‌سالاری نمایندگی تجدیدنظر شود. توسعه بیشتر دموکراسی مستلزم دموکراسی‌سازی مضاعف به معنای دموکراتیک شدن دولت و جامعه است. زیرا آنها یکدیگر را حمایت، امکان‌پذیر (به این معنا که هیچ کدام از آنها بدون دیگری وجود نخواهند داشت) و همچنین محدود می‌کنند.

■ نهادینه شدن فرایندهای مشورتی در چرخه سیاستگذاری و فرایندهای تصمیم‌گیری باعث می‌شود که دولت‌ها بتوانند تصمیمات دشواری را اتخاذ کنند. نهادینه شدن به واسطه تضمین یادگیری و تجربه جمعی باعث بهبود فرایند حکمرانی می‌شود و به‌طور بالقوه از طریق فراهم کردن فرصت برای افراد بیشتر جهت مشارکت در تصمیمات عمومی باعث افزایش اعتماد به دولت، تقویت و غنای دموکراسی جامعه شود.

■ ارزیابی‌های مستقل جهت سنجش فرایند و خروجی یک شیوه مشارکتی توصیه می‌شود. البته ممکن است به دلیل محدودیت‌های زمانی و بودجه‌ای امکان‌پذیر یا مناسب نباشد. در چنین مواردی، ارزیابی در قالب گزارش توسط خود اعضا یا سازمان‌دهندگان یک فرایند مشورتی نیز می‌تواند اقدام مفیدی برای یادگیری باشد. ارزیابی به موقع و دقیق، اعتماد سیاستگذاران، مردم و ذی‌نفعان را نسبت به توصیه‌هایی که توسط یک نهاد مشارکتی تهیه شده است، تقویت می‌کند. زیرا می‌تواند کیفیت دقت لازم در تولید آنها را نشان دهد.

و تصویر جامع‌تری از مشکل سیاستی ارائه می‌دهند. در واقع فرایندهای مشورتی با فراهم کردن فرصت برای گروه‌های متنوع‌تر مردمی می‌توانند باعث شوند که افراد بیشتری در فرایند تصمیم‌گیری عمومی دخالت داده شوند. اگرچه تصمیم‌گیری جمعی می‌تواند دشوار، پیچیده، وقت‌گیر و گاهی بسیار سخت باشد، زمانی که تصمیمات براساس اجماع حاصل شد با پذیرش گسترده‌تری از سوی جامعه مواجه می‌شوند.

■ درباره الگوهای مشارکت در سطح محلی می‌توان به رویکردهای جمع‌آوری و انتشار اطلاعات، مشاوره عمومی، تصمیم‌گیری و ثبت شکایات اشاره کرد. شایان ذکر است انتخاب مناسب‌ترین شیوه و الگوی مشارکتی بستگی به مسئله یا مشکل سیاستی دارد که در دستور کار مقامات محلی قرار گرفته است. هر اندازه سؤال سیاسی پیچیده‌تر و پیامدهای آن گسترده‌تر باشد، پیشنهادهای دقیق‌تر مورد نیاز خواهد بود و بنابراین، یک فرایند مشارکتی دقیق‌تر کاربردی‌تر است. موارد مهم دیگری که باید مدنظر قرار گیرند، عبارتند از: زمان و منابع در دسترس و حوزه سیاستی. به‌طور کلی، تمام شیوه‌ها و الگوها دارای مزایا و معایبی هستند که باید در زمان انتخاب مدنظر قرار گیرند.

■ ارزیابی فرایندهای مشارکتی به عنوان عنصر اساسی یک سیاستگذاری تجویز و توصیه می‌شود. ارزیابی به موقع اعتماد سیاستگذاران، عموم مردم و ذی‌نفعان را به هر توصیه‌ای که توسط یک نهاد ارائه می‌شود، تقویت می‌کند؛ زیرا می‌تواند سطح کیفیت، استحکام و بی‌طرفی فرایند مشارکتی را نشان دهد.

■ در اندیشه سیاسی اسلام مبتنی بر مبانی فقهی نظریه عدل الهی و اصول رضایت عامه، مقدمه واجب و نظارت و مراقبت مشارکت مردم در عرصه امرالناس از طریق سازوکارهای شورا و امر به معروف و نهی از منکر پیش‌بینی شده است. تأسیس و تداوم نظام جمهوری اسلامی ایران نیز مبتنی بر مشارکت و حضور گسترده مردم بوده است. وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، تعیین نوع سیستم سیاسی در فروردین ۱۳۵۸، برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی در مردادماه سال ۱۳۵۸ و تصویب نهایی قانون اساسی در همان سال با مشارکت مردم رخ داده است. در واقع نظام مردم‌سالاری دینی در ایران مبتنی بر دو پایه مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی شکل گرفته است. در اصول متعدد قانون اساسی به عنوان مهم‌ترین سند حقوقی - سیاسی کشور نیز بر دین‌محوری و مشارکت مردمی (مستقیم یا غیرمستقیم و از طریق مردم‌سالاری

۱. مقدمه

در قرن بیست و یکم تلاش برای تقویت مردم سالاری^۱ و افزایش نقش مردم در سیاست‌گذاری اهمیت فزاینده‌ای یافته‌ای است. مشارکت و همراهی مردم در امور سیاستی می‌تواند موجبات پیشرفت و ترقی یک جامعه را فراهم آورد. مشارکت مردم در امور سیاستی بنیان سلامت و نشاط اجتماعی را شکل می‌دهد. بر این اساس تمامی شهروندان حق دارند نقطه نظرات، نیازها، دیدگاه‌ها و شکایات خود را در قالب و شیوه‌های پیش‌بینی شده مطرح کنند و وظیفه مقامات سیاسی است تا در برابر آنها پاسخ‌گو باشند.

مشارکت شهروندان راهی برای تأثیرگذاری بر تصمیمات مهم و کنترل و هدایت آنها توسط شهروندان است. مشارکت شهروندی به‌عنوان درگیری شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری دولتی و ارائه خدمات عمومی تعریف شده است [۱]. مداخله شهروندان با منافع اجتماعی مشخص در فعالیت‌های عمومی، روشی برای دولت‌هاست تا نیازها را بهتر درک کنند و از سوی دیگر نیز عموم مردم می‌توانند با استفاده از آن، اقدامات و عملیات دولتی را مورد ارزیابی قرار دهند [۲] و [۳].

سازوکارهای مشارکت شهروندان را می‌توان به دو دسته کلی «حق رأی» و «حق اظهار نظر» تقسیم کرد [۴]. حق رأی، پاسداشت حقوق ملت در اداره امور و صیانت از حق حاکمیت مردم است. مردم به‌عنوان صاحبان حاکمیت حق دارند در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی مشارکت و در اداره امور دخالت کنند [۵]. انتخابات، یک سازوکار اساسی است که از طریق آن شهروندان می‌توانند ترجیحات سیاسی خود را بیان کنند. این امر با رأی دادن به نامزد انتخاباتی یا حزب سیاسی که وعده‌هایش مطابق با انتظارات شهروندان است، محقق می‌شود.

در دموکراسی نمایندگی؛ شهروندان می‌توانند از طریق حق رأی همگانی بر فرایندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری تأثیر داشته باشند. مشارکت شهروندان در انتخابات برای تعیین نمایندگان در هر تعریفی از مردم سالاری یک بخش ضروری محسوب می‌شود. باین حال احزاب سیاسی به میزان اندکی بر نامه‌های خود را برای پس از به قدرت رسیدن به‌طور روشن و شفاف بیان می‌کنند. علاوه بر این، در بسیاری از کشورها به‌ندرت به وعده‌های داده شده در طول رقابت‌های انتخاباتی عمل می‌شود. لذا دموکراسی نمایندگی همواره با چالش‌هایی از جمله کاهش اعتماد، عدم حضور مردم در انتخابات و تقلیل مقبولیت سیستم سیاسی، عدم آینده‌نگری و ترجیح سیاست‌های کوتاه‌مدت متناسب با دوره نمایندگی و افزایش ناامیدی از امور سیاسی روبه‌رو است.

در جایی که تنها راه مشارکت شهروندان رأی دادن است، دموکراسی حداقلی و شکننده خواهد بود. در دنیای امروز که مردم یک جامعه خواهان شفافیت و پاسخ‌گویی بیشتر از طرف مقامات هستند، بسیار مهم است که دولت‌ها در کنار انتخابات، ابزارهایی را توسعه دهند که نیازهای فزاینده را برآورده و روش‌های مکملی را برای مشارکت مردم فراهم کنند تا صدای شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری بهتر و بیشتر شنیده شود. این امر، یکی از عناصر اصلی حکمرانی کارآمد است و می‌تواند مسیرهایی را برای پاسخ‌گویی مستقیم مقامات به وجود آورد که به‌موجب آن ارائه خدمات عمومی بهبود یابد و فرایند سیاست‌گذاری فراگیرتر و با کیفیت‌تر شود [۶]. مشارکت از حیث «حق اظهار نظر» در جایی اتفاق می‌افتد که شهروندان از قدرت تأثیرگذاری بر اتخاذ، پیاده‌سازی، نظارت و ارزیابی تصمیمات مرتبط با مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برخوردار باشند و همچنین بتوانند پاسخ‌گویی مقامات را مطالبه کنند.

در نظام‌های مردم سالار معمولاً اشکال فراوانی از مشارکت غیر انتخاباتی شهروندان ترویج می‌شود. اگرچه برخی محققان درباره خطر تبدیل مشارکت غیر انتخاباتی شهروندان برای نهادهای نماینده‌محور هشدار داده‌اند، اما اشکال مشارکت غیر انتخاباتی در حال حاضر به‌عنوان شاخص قابل اعتمادی از کیفیت مردم سالاری قلمداد می‌شوند و در

۱. در این گزارش مردم سالاری و دموکراسی به یک معنا به کار گرفته شده‌اند.



سال‌های اخیر دولت‌ها به‌طور فزاینده‌ای از این روش‌ها استفاده کرده‌اند تا اعتماد عمومی به فرایندهای سیاسی را افزایش دهند [۷].

البته هدف به‌هیچ‌وجه این نیست که روش‌های مشارکتی جایگزین دموکراسی نمایندگی شوند، بلکه قرار است مکمل باشند و از آنها به‌عنوان ابزار مفیدی برای استحکام بیشتر فرایند سیاستگذاری استفاده شود. روش‌های مشارکتی به‌عنوان مکمل ارزشمندی در مرحله آماده‌سازی فرایند تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرند و شهروندان را مستقیماً در تنظیم دستور کار مرتبط با مسائل پیچیده و بدخیم دخالت می‌دهند که در زندگی روزمره شهروندان مهم هستند.

به‌ویژه آنکه در بسیاری از مواقع مسائل مبتلابه جوامع چنان پیچیده‌اند و تعداد گروه‌های ذی‌نفع درگیر آن قدر بالاست که حل و فصل موفقیت‌آمیز آنها پای صندوق رأی غیرممکن است. ارتقای مردم‌سالاری از طریق کمک به ایجاد اعتماد و مدیریت یا حل منازعاتی صورت می‌پذیرد که صرفاً با انتخابات نمی‌توان درباره آنها داوری کرد. یکی از مهم‌ترین کارکردهای رویکردهای مشارکتی، کاهش هزینه شکست در مبارزه انتخاباتی است و از این رهگذر ماهیت منازعه‌برانگیز سیاست «همه‌چیز برای برنده» را تلطیف می‌کند [۶].

البته مزایای مشارکت شهروندان، زمانی بهینه می‌شود که هر دو ساز و کار حق رأی و اظهار نظر در نظام سیاسی نهادینه شده باشند [۸]. این ساز و کارها برای درک این موضوع هستند که مشارکت شهروندان و پاسخ‌گویی به نیازها و ترجیحات آنها بخش مهمی از حکمرانی مردم‌سالار است [۹].

یکی از موضوعات حائز اهمیت در بحث دموکراسی نمایندگی و مشارکتی توجه به تمایز آنها از مفهوم دموکراسی مشورتی است. شباهت اصلی بین دموکراسی مشورتی و مشارکتی این است که هر دو به دخالت مستقیم شهروندان در تصمیم‌گیری‌های سیاستی اشاره می‌کنند که این امر فراتر از گزینش نماینده از طریق انتخابات است. بنابراین، این دو رویکرد نظام دموکراتیک فعلی را نقد می‌کنند و با تقویت آن در صدد اصلاحش هستند [۱۰].

مردم‌سالاری مشورتی،^۱ یک نظریه کلی سیاسی است که در آن استدلال می‌شود تصمیمات سیاسی باید ناشی از یک بحث منصفانه و منطقی میان شهروندان باشد. دموکراسی مشورتی با دخیل کردن افراد جامعه از نژادها، طبقات اجتماعی، سنین و مناطق جغرافیایی در بحث‌های مشورتی که به‌طور مستقیم روی تصمیمات عمومی تأثیر گذار هستند، باعث می‌شود که صدای شهروندان در مراحل مختلف سیاستگذاری بهتر انعکاس یابد.

در فرایندهای مشورتی، هیئتی به نمایندگی از جامعه شواهد را مورد ارزیابی قرار می‌دهند، در مورد یافتن زمینه مشترک با یکدیگر مشورت می‌کنند و پیشنهادهایی را برای نهادهای دولتی و عمومی در زمینه مسائل مختلف سیاستی ارائه می‌دهند. در واقع فرایندهای مشورتی به انتخاب گروهی از افراد اشاره دارند که نماینده یک جامعه هستند و از طریق یک فرایند برنامه‌ریزی شده زمان قابل توجهی را صرف یادگیری و همکاری می‌کنند تا پیشنهادهای جمعی خود را به سیاستگذاران ارائه کنند. این فرایند مبتنی بر این ایده است که تصمیمات سیاستی دموکراتیک باید بر اساس «بحث و تعامل منصفانه و منطقی میان شهروندان» و «فرصت‌های مشورتی برابر برای شهروندان» اتخاذ شود [۱۱].

اساساً نظریه دموکراسی مشورتی یک مدل هنجاری ایدئال از دموکراسی است. منظور از دموکراسی مشورتی در اینجا، ساز و کاری سیاسی-اجتماعی است که در آن صلاحیت اعمال قدرت تنها بر خاسته از تصمیمات جمعی اعضای جامعه است که آن نیز در فرایند (عقلانی) بحث و گفتگو صورت می‌پذیرد [۱۲]. بنابراین دموکراسی مشورتی، قانون توجه را از نتایج نهایی به ویژگی فرایندهایی که این نتایج به‌وسیله آنها قابل دستیابی هستند، تغییر می‌دهد [۱۳]. به‌طور کلی باور نظری در دموکراسی مشورتی بر آن است که فرایند تأمل و مشورت، موجب بهبود کیفیت تصمیمات می‌شود. تصمیماتی که از این طریق گرفته می‌شوند، کارتر و سنجیده‌تر و از نظر اخلاقی قابل قبول‌ترند [۱۴]. الگوی

مشورتی بر خلاف لیبرال دموکراسی، توده‌های مردم را متشکل از افرادی مجزا و منفک از یکدیگر نمی‌بیند که با هم پیرامون منافع خویش به توافق نظرهایی معین رسیده باشند؛ بلکه مردم را آحاد یک جمع واحد و منسجم اجتماعی می‌بیند که در بستر کنش سیاسی وحدت و یگانگی خود را تعمیق بخشیده و اراده خویش را بر وضعیت شکل گرفته اجتماعی سیاسی اعمال می‌کنند [۱۵].

دموکراسی مشارکتی،^۱ قدمت بیشتری دارد و به وسیله جنبش‌های سیاسی در دهه ۱۹۶۰ در کشورهای مختلف مطرح شد که خواهان مشارکت بیشتر در فرایند تصمیم‌گیری دولت بودند. ایده اصلی دموکراسی مشارکتی آن است که قابلیت‌های شهروندان برای مشارکت باید افزایش پیدا کند که این امر مستلزم اصلاح نهادهای دموکراتیک است تا مشارکت معنادار تر و هدفمندتر شود [۱۶]. تفاوت‌های اصلی بین دموکراسی مشورتی و مشارکتی از نظر «تعداد مشارکت‌کنندگان»، «نوع مشارکت» و «نحوه انتخاب مشارکت‌کنندگان» است (جدول ۱).

جدول ۱. تفاوت بین دموکراسی نمایندگی، مشورتی و مشارکتی

نوع دموکراسی	تعداد مشارکت‌کنندگان	نوع مشارکت	روش انتخاب مشارکت‌کنندگان
دموکراسی نمایندگی	همه واجدین شرایط رأی	انتخاباتی	براساس تعیین سن حق رأی در قوانین انتخاباتی
دموکراسی مشورتی	گروه‌های نسبتاً کوچکی از مردم به‌عنوان نماینده آنها هستند. انجام بحث‌های مشورتی عمیق میان تعداد زیادی از افراد دشوار است.	ضرورت دارد مشارکت‌کنندگان در مورد یک موضوع به‌خوبی آگاه باشند و دیدگاه‌های مختلف را در نظر بگیرند تا به یک قضاوت در مورد آنچه می‌شود کاملاً با آن موافق بود برسند.	معمولاً از طریق انتخاب تصادفی‌گزینش می‌شوند تا یک نهاد عمومی (به‌عنوان نماینده مردم) شکل بگیرد. این نهاد می‌تواند دیدگاه‌های مختلف را مدنظر قرار دهد.
دموکراسی مشارکتی	تعداد زیادی از افراد. در حالت ایدئال هر فردی تحت تأثیر یک تصمیم مشخص قرار می‌گیرد. هدف رسیدن به وسعت نظر است.	مشارکت بیشتر در تمام جنبه‌های سیاستی از همه شهروندانی که داوطلب مشارکت هستند؛ پذیرش و ترویج فرصت‌های گوناگون مشارکت سیاسی.	مشارکت خودگزینی ^۲ تا افراد زیادی بتوانند تجربه خود را به اشتراک بگذارند.

مأخذ: [۱۷].

البته برخی محققان روش‌هایی را برای ترکیب دموکراسی مشورتی و مشارکتی پیشنهاد داده‌اند؛ مانند استفاده از مشارکت آزادانه و گسترده‌تر در مرحله اولیه توسعه پیشنهادها و سپس تمرکز روی بحث‌های مشورتی میان گروه کوچک‌تری از مردم جهت بررسی پیشنهادها، رسیدن به توافق در ارتباط با پیشنهادها و تصمیم‌گیری [۱۷]. به‌طور کلی اگرچه دموکراسی مشارکتی و مشورتی زمان‌بر و هزینه‌بر بوده‌اند و نیازمند تعهد کامل از طرف تمام بازیگران یک جامعه هستند، اما به یکی از نوآورانه‌ترین روش‌های در حال گسترش حضور شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری سیاستی تبدیل شده‌اند. علاوه بر این، چون اطلاعات دریافت‌شده توسط شهروندان در چنین فرایندهایی عمومی می‌شود، شفافیت در تصمیمات سیاسی افزایش می‌یابد. به این دلایل، فرایندهای مشارکتی می‌توانند باعث افزایش اعتماد به مردم‌سالاری در سطح محلی و منطقه‌ای شوند.

1. Participatory Democracy



۲. پیشینه پژوهش



۲-۱. سوابق مطالعاتی در مرکز

استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی به‌ویژه اینترنت به ارتقای استانداردهای پارلمانی کمک بسیاری کرده است. مهم‌ترین شیوه‌های مشارکت در فرایند قانونگذاری در غالب پارلمان‌ها، طومار و استماع عمومی است و شیوه‌های دیگری چون اظهار نظر درباره طرح و لوایح، طومار علیه لایحه خصوصی، به رسمیت شناختن لابی‌ها و امکان ثبت برخط لابی، مشارکت تعاملی، ایجاد گروه‌های فراحزبی یا مطالعاتی و سازمان‌دهی اعتراضات وجود دارد که برخی موارد تنها در یک کشور اجرا می‌شود» [۲۴].

تبیین و بررسی شیوه‌های مشارکت مردم در فرایند سیاستگذاری در سطح محلی کمتر مورد توجه پژوهش‌های انجام شده قرار گرفته، اما در سطح ملی گزارش‌هایی درباره این موضوع به چاپ رسیده است که از آن جمله می‌توان به گزارش «مطالعه تطبیقی شیوه‌های مشارکت عمومی در فرایند قانونگذاری و پیشنهادهایی برای مجلس شورای اسلامی» با شماره مسلسل ۱۹۰۵۰ اشاره کرد. در این گزارش بیان شده است: «مشارکت عمومی در فرایند قانونگذاری در پارلمان‌های مختلف به رسمیت شناخته شده است.

۳. مردم‌سالاری مشارکتی در سطح محلی



از طرح‌های ابتکاری و تلاش‌ها در زمینه ترویج حکمرانی کارآمد در سطح ملی اتفاق می‌افتد، اما حکمرانی ضعیف در سطح محلی یک مشکل جدی محسوب می‌شود. از آنجا که دولت‌های محلی فاقد قابلیت‌ها و ظرفیت‌های کافی هستند، تلاش برای ترویج حکمرانی کارآمد در سطح محلی نیازمند مشارکت جامعه محلی است. شایان ذکر است زمانی که دولت‌ها با محدودیت‌ها و ناکامی‌های مرتبط با مشکلات و ناکارآمدی‌های ارائه متمرکز خدمات عمومی مواجه شدند گرایش به تمرکززدایی ساز و کارهای ارائه خدمات افزایش یافت [۱۸]. این تغییر جهت عمدتاً در چارچوب اصلاحات مرتبط با تمرکززدایی انجام شد که در آن دولت مرکزی، اختیارات و وظایف سیاسی، مدیریتی، مالی و اقتصادی را به واحدهای محلی منتقل می‌کند [۱۹]. تمرکززدایی شامل «انتقال قدرت مدیریتی، مالی و اداری و وظایف دولت مرکزی به دولت‌های سطح پایین‌تر [محلی]» بوده است [۲۰]. بنابراین در سطح محلی، زمانی تمرکززدایی تسهیل می‌شود که قدرت و اختیار اتخاذ تصمیمات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از دولت مرکزی به دولت و جوامع محلی انتقال یابد.

موضوع حائز اهمیت آن است که هر چند در ابتدا جهت تمرکززدایی بر انتقال منابع و وظایف برای بهبود نتایج مدیریتی و ارائه خدمات تأکید می‌شد، اما به مرور تغییر در این فرایند انجام شد و رابطه دولت و شهروندان در کانون تمرکززدایی قرار گرفت [۱۹]. این تغییر

تسهیل مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، پایه و اساس مردم‌سالاری محلی محسوب می‌شود. حکمرانی محلی با مشارکت معنادار و قدرتمند شهروندان، اولین و اصلی‌ترین حلقه مردم‌سالاری را شکل می‌دهد. گرایش به اصول و رویه‌های حکمرانی دمکراتیک آن هم در نزدیک‌ترین سطح به مردم به‌نحوی از انجا بازگشت به اصلی‌ترین بنیادهای مردم‌سالاری در نظر و عمل است.

اکنون بسیاری در سراسر جهان پذیرفته‌اند که حکومت محلی صرفاً یک دستگاه اداری شهری برای جمع‌آوری مالیات و عرضه خدمات ضروری مانند آموزش ابتدایی، مدیریت آب و فاضلاب، حمل‌ونقل یا تأمین مسکن نیست، بلکه مردم‌سالاری محلی اصلی‌ترین بنیان تحقق مردم‌سالاری پایدار و باکیفیت است. حکمرانی محلی سطحی از مردم‌سالاری است که بهترین فرصت را برای شهروندان فراهم می‌آورد تا در تصمیماتی که برای جامعه اتخاذ می‌شوند، مشارکت فعال و مستقیم داشته باشند. مردم‌سالاری محلی نیرومند، سنگ بنای مردم‌سالاری سالم و قدرتمند در سطح ملی است [۶].

البته در بسیاری از نظام‌های سیاسی به دلیل تأکید بر اصلاحات در سطح ملی (مانند اصلاح یا تأسیس نهادها و فرایندهای سیاسی جدید، انتخابات ریاست جمهوری و مجلس) بهبود حکمرانی در سطح محلی کمتر مورد توجه بوده است. بنابراین هر چند بسیاری

دو چالش اساسی است. اولین چالش این است که چگونه کارآمدی حکومت محلی در متن دنیای جهانی شده حفظ شود، آن هم در دنیایی که فشار برای دریافت خدمات با استانداردهای بالا، بسیار زیاد، ولی تمایل به پرداخت مالیات محدود است و هم‌زمان اعتماد به اصلی‌ترین ابزارهای مردم‌سالاری نمایندگی (سیاستمداران حرفه‌ای، احزاب، انتخابات، رسانه‌ها و ...) در بسیاری از کشورها رو به زوال می‌رود. چالش دوم، پیدایش نهادهای اجتماعی، سازمان‌های مردم‌نهاد و انجمن‌های مستقل است که قدرت دولت را محدود می‌کنند و بنیانی متفاوت را برای عرصه سیاست و عرضه خدمات فراهم آورده‌اند.

در دنیای امروز ارائه کارآمد خدمات و حل و فصل چالش‌ها و مشکلات، نیازمند همکاری دولت و جامعه است. به عبارت بهتر حکمرانی کارآمد در قرن بیست و یکم منوط به آن است که محدودیت‌های اقدام دولت و نیز قدرت و چابکی نهفته در جامعه تصدیق شوند. افزایش روزافزون نشانه‌هایی که دلالت بر افول اصلی‌ترین ابزارهای مردم‌سالاری نمایندگی - از دو منظر ظرفیت برای جلب مشارکت و ایجاد اعتماد به تصمیمات دولت - دارند، شدیداً احساس می‌شود که ضروری است از طریق ایجاد فرصت مشارکت در ساختار مردم‌سالاری نمایندگی تجدیدنظر شود. به عبارت بهتر تجربه دموکراسی نمایندگی در بسیاری از کشورها نابرابر و خیلی اوقات ناامیدکننده بوده است. لذا توسعه بیشتر دموکراسی مستلزم دموکراسی‌سازی مضاعف به معنای دموکراتیک شدن دولت و جامعه ضرورت دارد. زیرا آنها یکدیگر را حمایت، امکان‌پذیر (به این معنا که هیچ‌کدام از آنها بدون دیگری وجود نخواهند داشت) و همچنین محدود می‌کنند [۲۳].

گزارش پیش‌رو تلاش دارد تا ضمن بررسی اهمیت مشارکت شهروندان و رونق گرفتن مردم‌سالاری مستقیم در کشورهای مختلف، شیوه‌ها و روش‌های مختلف مشارکت مردم در سطح محلی را توضیح و تشریح کرده و در گزارش دوم نیز ضمن تشریح چگونگی طراحی فرایند مشارکتی، توصیه‌های سیاستی برای به‌کارگیری و حضور مردم براساس تغییر قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران در سطح محلی ارائه کند.

ناشی از فرضیه‌ای است که این‌گونه شرح داده می‌شود: «توسعه و پیشرفت محصول کاری است که مردم، خودشان در مورد آن تصمیم می‌گیرند تا شرایط زندگی‌شان را بهبود بخشند» [۲۱]. با توجه به تأکیدی که درباره نقش مردم وجود دارد، اکنون توانمندسازی و مشارکت شهروندان یکی از ارکان موفقیت تمرکززدایی محسوب می‌شود. پتانسیل تمرکززدایی در زمینه مشارکت بیشتر مردمی از طریق انتخابات محلی و ایجاد فرصت جهت مداخله در تصمیم‌گیری عمومی، نقش کلیدی در حرکت به سمت تمرکززدایی داشته است.

چنین تمهیدی براساس این استدلال صورت گرفته است که دولت‌های محلی به نیازهای شهروندان بیشتر واکنش نشان می‌دهند و ترجیحات آنها را در تعیین نوع خدمات ارائه‌شده، میزان منابع مورد نیاز و ابزارهای بهینه و تضمین‌کننده ارائه اثربخش خدمات مدنظر قرار خواهند داد. این امر مستلزم آن است که دولت‌های محلی از فرصت و ظرفیت سیاسی جهت اتخاذ تصمیمات اثربخش برخوردار باشند [۲۲]. بنابراین احتمال مشارکت فعالانه شهروندان در فرایند سیاسی محلی زمانی بیشتر است که آنها اعتقاد داشته باشند دولت محلی در اتخاذ تصمیمات تأثیرگذار استقلال دارد.

بحث اصلی مبتنی بر این امر است که «محل» در نظر و عمل، جایگاه بالقوه‌ای را برای هم‌گرایی بین دولت و جامعه فراهم آورده است. اولین برداشت این است که «محل» موضعی است که ظرفیت لازم برای حضور و مشارکت فعال تعداد کثیری از افراد در سیاست را فراهم می‌کند. دوم اینکه، سیاست محلی و نیاز به مردم‌سالاری را می‌توان با این استدلال توضیح داد که تنها نهادهای محلی ظرفیت، علاقه و دانش کافی برای ارائه و نظارت بر خدمات و اتخاذ تصمیماتی همسو با شرایط محلی را دارند و به پاسخ‌گویی مؤثر کمک می‌کنند. سرانجام با تصدیق تنوع اوضاع و نیاز محل‌های مختلف می‌توان مردم‌سالاری محلی را توجیه کرد. مردم‌سالاری محلی کمک می‌کند تا با تفاوت‌ها کنار آمد و بر آنها فائق شد [۲۳]. مشارکت شهروندان نیازمند توانمندسازی و تقویت این باور است که مشارکت می‌تواند تفاوت‌ها را رقم بزند. امروزه محور اصلی وظیفه هر حکومت محلی مردم‌سالار، چگونگی برقراری آشتی بین



۴. اهمیت مشارکت مردم در سطح محلی



تصمیم‌گیری بر خوردار هستند. بنابراین اگر چه شهروندان به مشکلات جامعه و محله خود اهمیت می‌دهند، اما غالباً از فرایند تصمیم‌گیری عمومی کنار گذاشته می‌شوند. زیرا سیستم‌های سیاسی و اداری محلی بر اساس تخصص و دانش حرفه‌ای شکل گرفته‌اند و فضای اندکی برای فرایندهای مشارکتی دارند [۲۶]. لذا فرایندهای مشارکتی، فضایی را برای یادگیری، مشورت و توسعه پیشنهادهای آگاهانه فراهم می‌کنند، مواردی که برای سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان کاربرد بیشتری دارند. همچنین آنها می‌توانند از دانش محلی که ناشی از تجربه واقعی است بهره ببرند.

■ فرایندهای مشارکتی، بخش وسیع‌تری از جامعه را دربر می‌گیرند و تصویر جامع‌تری از اجتماع ارائه می‌دهند. اکثر نهادهای تصمیم‌گیری سیاسی، نماینده جمعیت زیادی نیستند (نمایندگان دارای سوابق یا مشخصاتی مشابه با کسانی نیستند که نماینده آنها هستند) یا این‌گونه طراحی نشده‌اند.

■ تسهیل مشارکت شهروندان در فرایند سیاستگذاری به بهبود جریان اطلاعات، افزایش پاسخ‌گویی و تأمین حقوق افراد منجر می‌شود؛ همچنین به کسانی که مستقیماً تحت تأثیر سیاست مربوطه قرار می‌گیرند، امکان اظهار نظر می‌دهد. فرایندهای مشورتی و مشارکتی به خنثی شدن قطبی‌سازی^۱ و اطلاعات نادرست^۲ کمک می‌کنند. همچنین این فرایندها می‌توانند روش مؤثری برای غلبه بر تقسیم‌بندی‌های قومی و سیاسی بین گروه‌هایی باشند که به‌طور تاریخی هویت خود را در نفی دیگر گروه‌ها می‌دانند [۲۷]. از آنجا که راه‌اندازی فرایند مشورتی، فضایی را ایجاد می‌کند که در آن درک متقابل و بحث‌های منطقی وجود دارد، مسائل قطبی‌شده کمتر بحث‌برانگیز می‌شوند. توافق بر سر چنین موضوعاتی غالباً برای سیاستمداران بسیار دشوار است. زیرا امکان دارد هزینه‌های بالقوه انتخاباتی را به دنبال داشته باشد، خصوصاً زمانی که خط و سیاست حزبی مشخصی وجود دارد و در نتیجه ممکن است یک وعده انتخاباتی محقق نشود. شهروندانی که در این فرایندها مشارکت می‌کنند تعهدات عمومی نسبت به این موضوعات ندارند و زمانی که اطلاعات جدید در اختیار آنها قرار می‌گیرد، می‌توانند آزادانه نظر خود را تغییر دهند یا به توافق برسند. همچنین آنها مجبور نیستند

در دنیای امروز و در سرتاسر جهان، مقامات دولتی و عمومی بیش‌ازپیش از فرایندهای مشارکتی برای حضور مستقیم شهروندان در حل برخی از مهم‌ترین چالش‌های سیاستی استفاده می‌کنند. وقتی فرایندهای مشارکتی به‌طور مؤثر اجرا شوند، سیاستگذاران می‌توانند تصمیمات دشواری را در مورد مشکلات چالش‌برانگیز اتخاذ کنند و اعتماد بین شهروندان و دولت را افزایش دهند. فرایندهای مشارکتی، فرصت رسیدن به راه‌حل‌های بهتر را فراهم می‌کنند، چراکه از خرد جمعی و تنوع‌شناختی و دانشی بهره می‌برند.

فرایندهای مشارکتی می‌توانند باعث شوند که تصمیمات عمومی توسط افراد بیشتری مورد حمایت قرار گیرند؛ زیرا مردم به تصمیم اتخاذشده توسط افراد معمولی بیشتر از تصمیم اتخاذشده توسط دولت پشت درب‌های بسته اعتماد می‌کنند. علاوه بر این، فرایندهای مشارکتی به افزایش سطح دانش مشارکت‌کنندگان در مورد مسائل، ایجاد ظرفیت اجتماعی و کارآمدی سیاسی کمک می‌کنند [۲۵]. با تکیه بر شواهد جمع‌آوری‌شده و تحقیقات انجام‌شده چندین دلیل برای اینکه چرا فرایندهای مشارکتی می‌توانند منجر به اتخاذ تصمیمات بهتر و افزایش اعتماد عمومی شوند بیان می‌شود:

■ اگر چه هم در تئوری و هم در عمل مشارکت مردم در تصمیمات عمومی به رسمیت شناخته شده است، اما بسیاری از متخصصان و کارشناسانی که با مسائل عمومی سروکار دارند، در بهترین حالت در مورد مشارکت عمومی تردید دارند و در بدترین حالت آن را مشکل‌ساز می‌دانند. زیرا احتمالاً بر این باورند که با عقل سلیم و استعداد نمی‌توان به پیچیدگی مسائل مدرن رسیدگی کرد. در نتیجه، اکثر آنها خواهان مشارکت عمومی نیستند. آنها اعتقاد دارند که تنها پایه و اساس فرایند تصمیم‌گیری باید دانش و علم باشد. اگر چه این استدلال تا اندازه‌ای در ارتباط با برخی از مسائل صحیح است، اما بسیاری از مشکلات صرفاً با داده‌های علمی حل نمی‌شوند، بلکه بیش‌ازپیش نیازمند تصمیمات غیرفنی و سیاسی هستند. شهروندان شاید فاقد دانش فنی باشند، اما آنها دارای دانش مشخصی در مورد جامعه و محله خود هستند که می‌تواند بسیار ارزشمند باشد و به‌عنوان شهروند از حق مشارکت در فرایند

1. Polarization
2. Disinformation

داشته باشند [۲۸]. فرایندهای مشارکتی احساس احترام را منتقل می‌کنند و باعث افزایش توانمندی شهروندان می‌شوند. در واقع مشارکت شهروندان در فرایند مشورتی فعالانه می‌تواند احساس کارآمدی سیاسی (این باور که یک فرد می‌تواند امور سیاسی را درک کند و روی آنها تأثیر بگذارد) را در آنها تقویت کند، به جای اینکه صرفاً موضوع قانونگذاری و حکومت‌داری باشند. از سوی دیگر گروهی متنوع و متعادل از شهروندان می‌توانند مشکلات سیاسی را از طریق هوش جمعی بهتر حل کنند.

به‌طور کلی ذیل چهار سرفصل کلی تغییر گفتمان بوروکراتیک، ناامیدی از بوروکراسی،^۱ جستجوی یک ایدئال دمکراتیک^۲ و نیاز به مشارکت در کشورهای در حال پیشرفت می‌توان دلایل گرایش کشورهای مختلف به تعبیه شیوه‌های مشارکتی در فرایند سیاستگذاری را توضیح داد. اگرچه استدلال‌های مطرح شده تا حدودی با دلایلی که در بالا به آنها اشاره شد هم‌پوشانی دارند، اما جهت آگاهی و ترسیم تصویر کلان‌تر از علل تمایل به بهره‌گیری از روش‌های مشارکتی توضیح داده می‌شوند.

۱-۴. تغییر گفتمان بوروکراتیک

مشارکت شهروندان غالباً نتیجه اجتناب‌ناپذیر یک حرکت منطقی از شیوه‌های حکمرانی بوروکراتیک و منزوی به سمت رویکردهای باز، شفاف و مشارکتی است. یکی از دلایل چنین حرکتی، تغییر در ارزش‌های شهروندی در عصر جدید است. تحقیقات فرازمانی و فراکشوری^۳ مدارک و شواهدی دال بر یک تغییر جهانی از جمله کاهش اعتماد به نهادهای رسمی و تمایل به دمکراسی‌های مشارکتی تر ارائه می‌دهند [۲۹]. از سوی دیگر تغییر اجتماعی به‌ویژه بالا رفتن آموزش و تحصیلات به تقاضای بیشتر برای مشارکت و دستیابی به اطلاعات منجر می‌شود و فناوری‌های جدید دستیابی به اطلاعات را تسهیل می‌کنند. بنابراین شهروندان هم تمایل و هم راه و ابزار شکستن انحصار و کنترل متمرکز حکومت بر اطلاعات عمومی را در اختیار دارند. با توجه به این تغییرات، ساختارهای سلسله‌مراتبی منزوی بوروکراسی سنتی، ناهماهنگ با جوامع جدید به‌نظر می‌رسند.

مانند سیاستمداران از مجازات انتخاباتی بترسند. بنابراین معمولاً در زمان بررسی مسائل سیاستی دیدگاه‌های بلندمدت‌تر را مدنظر قرار می‌دهند. به همین دلیل رویکردهای مشارکتی در سال‌های اخیر به روش محبوبی برای به‌دست آوردن نظرات شهروندان در مورد سیاست‌های مرتبط با برخی مسائل (مانند مشکلات زیست‌محیطی و تغییرات آب و هوایی) تبدیل شده است [۷].

■ تصمیم‌گیری جمعی می‌تواند دشوار، پیچیده، وقت‌گیر و گاهی بسیار سخت باشد، اما زمانی که تصمیمات براساس اجماع حاصل شد با پذیرش گسترده‌تری از سوی جامعه مواجه می‌شوند. بنابراین اگرچه فرایند تصمیم‌گیری مشارکتی می‌تواند مدت‌زمان رسیدن به تصمیم را افزایش دهد، اما با پیشگیری از مانع‌تراشی بر سر راه اجرای تصمیمات توسط ذی‌نفعان مخالف، فرایند اجرا را کارآمدتر می‌کند. اگر گروه‌های اجتماعی برای مشارکت در اخذ تصمیماتی که بر آنها تأثیر می‌گذارد، فرصت بیشتری داشته باشند به احتمال زیاد کمتر ابتکارات جدید را نادیده گرفته، در برابر آنها مقاومت کرده یا از حمایت از آنها اجتناب می‌ورزند. همین اصل مالکیت فرایند است که اساس پروژه‌های توسعه محلی را در اطراف واکناف جهان شکل می‌دهد. لورنس ساسکیند^۱ در کتاب «شکست بن‌بست»^۲ به این نوع تصمیم‌گیری با عنوان «کند-تند»^۳ اشاره کرده است؛ به این معنا که فرایند در زمان ایجاد و تقویت اجماع می‌تواند کند باشد، اما در زمان اجرا با سرعت به پیش می‌رود. زیرا در پشتیبانی از آن، حمایت گسترده‌ای ایجاد شده است [۶].

■ با ایجاد یک فرایند مشارکتی، سیاستمداران مشروعیت بیشتری برای اتخاذ تصمیمات دشوار به‌دست می‌آورند. این فرایندها به سیاستگذاران کمک می‌کنند که اولویت‌های عمومی و ارزش‌ها و دلایل مرتبط با این اولویت‌ها را بهتر درک کنند و متوجه شوند که کجا رسیدن به اجماع امکان‌پذیر است.

■ در دنیای امروز رشد اقتصادی و سیاست‌های بهتر به تنهایی نمی‌توانند رضایت اجتماعی را فراهم کنند. عوامل سیاسی نیز مهم هستند. در حال حاضر افراد بیشتر از هر زمان دیگری تمایل دارند در شکل‌گیری سیاست‌هایی که روی زندگی آنها تأثیر گذارند، حق اظهار نظر بیشتری (زیادتر از فرصت رأی دادن چند سال یک‌بار)

1. Lawrence Susskind
2. Breaking the Impasse
3. Slow-fast
4. Disillusionment with Bureaucracy
5. Search for a Democratic Ideal
6. Cross-time and Cross-Country Surveys



۲-۴. ناامیدی از بوروکراسی

سالیان متمادی مدل بوروکراتیک - سلسله‌مراتبی ماکس وبر، به دلیل نداشتن عنصر پاسخ‌گویی از جهات مختلف مورد انتقاد قرار می‌گرفت. امروزه ثابت شده است که سازمان‌های بوروکراتیک نمی‌توانند یک رابطه فراگیر با شهروندان ایجاد کنند. ارزش بوروکراسی از تخصص نشئت می‌گیرد که آن را با ارزش‌های دمکراتیک یا نمایندگی که زیربنای ایده مشارکت هستند، در تضاد قرار می‌دهد.

یکی از مدل‌های جایگزین برای کاهش ناراضی‌تی و پاسخ‌گویی دمکراتیک و کنترل بوروکراتیک، الگوی مشارکتی است که شامل جستجو برای سازوکارهای سیاسی، دمکراتیک و جمعی‌تر برای ارسال پیام به حاکمیت است. مشارکت عمومی به صورت یک کنترل بیرونی بر بوروکراسی‌هایی عمل می‌کند که قدرت‌شان بسیار گسترش یافته است. به نظر می‌رسد طرح‌های پیشنهادی برای مشارکت به یک اندازه نسبت به بوروکرات‌ها و مسئولان منتخب که هر دو بخشی از «بوروکراسی نمایندگی» هستند، بی‌اعتمادند. براساس این دیدگاه، بوروکراسی نمایندگی مسئولیت‌پذیری فردی برای باورها، ارزش‌ها و اقدامات را تضعیف می‌کند و قابل تطبیق و سازگار با آزادی نیست. زیرا اراده سیاسی را به دیگران واگذار می‌کند. به جای بوروکراسی نمایندگی، طرفداران مشارکت از ایجاد و توسعه دمکراسی قوی حمایت می‌کنند که افزایش مشارکت شهروندی یکی از ویژگی‌هایش است. حکومت‌های محلی به دلیل اندازه، بیشتر مستعد بهره‌گیری از این رویکرد هستند.

۳-۴. جستجوی ایدئال دمکراتیک

ماهیت آرمانی اهداف مشارکت به‌ویژه آرزوی دستیابی به ایدئال دمکراتیک، جذابیت آن را تا حد زیادی توضیح می‌دهد. رفتارهای کمینه‌گرای بر اهمیت مشارکت برای جلوگیری از بیگانگی از دولت و حفظ پایداری و ثبات نظام سیاسی تأکید می‌کنند. یک رویکرد فعال‌تر توجه بیشتر به مشارکتی نشان می‌دهد که مزایایی برای شهروندان ایجاد می‌کند و شانس تحقق آرزوی دمکراتیک،^۱ یعنی داشتن تأثیر و نفوذ واقعی بر فرایند حکمرانی را به آنها می‌دهد. مشارکت، ارزش شهروندان را آشکار می‌کند و به آنها اجازه می‌دهد احساس مالکیت کنند و نقش فعالی در کنترل محیط و توسعه ظرفیت‌شان برای شهروند بودن بپذیرند.

۴-۴. نیاز کشورهای در حال پیشرفت

در کشورهای در حال پیشرفت نیاز به مشارکت کاملاً واقعی است. به‌ویژه آنکه موجب تقویت حکمرانی، شفافیت و کاهش فساد می‌شود و به افراد کمک می‌کند تا شهروندان بهتری باشند:

مشارکت، حکمرانی را تقویت می‌کند: طرفداران مشارکت در کشورهای در حال توسعه به فساد، تخصیص مبهم و غیر شفاف منابع، عدم ارائه خدمات اساسی و ساختار قدرتی که به غیر نخبگان فرصت اندکی می‌دهد تا نظرات‌شان را اعلام کنند تا به گوش مسئولان برسند، اشاره می‌کنند. ناتوانی در حکومت‌داری به شیوه‌ای باز، شایسته، کارآمد و قابل پیش‌بینی مانع رشد و توسعه اقتصادی نیز شده است [۲۹]. بنابراین کشورهای در حال توسعه به عملکرد پاسخ‌گو، شایسته و صحیح نیاز دارند؛ مشارکت راهی برای دستیابی به این اهداف است.

مشارکت، عدالت اجتماعی را افزایش می‌دهد: بسیاری از بحث‌ها و استدلال‌ها در حمایت از مشارکت بر مبنای این ادعای هنجاری هستند که در هر نظام مردم‌سالار، شهروندان حق دارند در تصمیماتی که بر آینده آنها تأثیر می‌گذارد، اظهار نظر کنند. از سوی دیگر حذف و طرد فقرا و محرومین در کشورهای در حال توسعه آنقدر شدید بوده که به نوعی توانمندسازی حساب‌شده و سنجیده نیاز است.

مشارکت، به افراد کمک می‌کند شهروندان بهتری شوند: مشارکت با تحقق بخشیدن به «آموزش شهروندی»^۲ برای مردمی که دخالت اندکی در زندگی اجتماعی دارند، می‌تواند مزایای گسترده‌تری به شهروندان و جامعه اعطا کند. مشارکت به شهروندان کمک می‌کند با حقوق‌شان آشنا شوند، دیدگاه‌ها و نظرات‌شان را ارائه و مشاهده کنند که این نظرات بر سیاست‌ها و اقدامات تأثیر می‌گذارد. از طریق مشارکت، شهروندان زبان و شیوه‌های اساسی حکمرانی را فرا می‌گیرند [۲۹].

مشارکت موجب افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود: سرمایه اجتماعی، اعتماد و اطمینانی است که وقتی دولت و جامعه با یکدیگر منفعت عمومی را تعقیب می‌کنند، توسعه می‌یابد. سرمایه اجتماعی، بنیان مشروعیت نهادهای حکومتی و برای حکمرانی مؤثر و کارآمد ضروری است. بدون وجود سرمایه اجتماعی (زمانی که اعتماد و اطمینان وجود ندارد) پیشرفت برنامه‌های دولت با مانع مواجه می‌شود و در بلندمدت، جوامع فاقد اعتماد، ناکارآمد شده و در

1. Democratic Wish
2. Citizenship Schools

روی تصمیم اتخاذشده در فرایند مشورتی تأثیر بگذارند [۷]. به‌طور کلی مشارکت شهروندان به واسطه انتشار اطلاعات و افزایش آگاهی عمومی در مورد اقدامات دولت باعث بهبود فرایند پاسخ‌گویی و کاهش فساد می‌شود. مشارکت شهروندان هزینه سیاسی تصمیمات ناکارآمد را افزایش می‌دهد. شهروندان با مشارکت خود در مالکیت فرایند تصمیم‌گیری سهیم می‌شوند و حاضرند هزینه آن را پرداخت کنند. مشارکت حاشیه‌نشینان و فقرا در فرایند تصمیم‌گیری منجر به تدوین سیاست‌های طرفدار آنها می‌شود و از این‌رو، ارائه خدمات عادلانه را تضمین می‌کند. شایان ذکر است اگرچه حمایت فراوانی از گسترش مشارکت مردم در سیاستگذاری مطرح می‌شود، اما انتقاداتی نیز به آن وارد شده است. اولاً، منتقدان به هزینه‌های زمانی و مالی ناشی از سازوکارهای مشارکتی اشاره می‌کنند. ثانیاً، آنها استدلال می‌کنند که شهروندان در هر جامعه‌ای ممکن است همیشه بر سر نیازهای اولویت‌دار توافق نداشته باشند. از این‌رو نیل به توافق درباره کاری که باید انجام شود دشوار است و در نتیجه ارائه خدمات به تعویق می‌افتد [۱۹]. با وجود این نهادینه شدن فرایندهای مشورتی در چرخه سیاستگذاری و فرایندهای تصمیم‌گیری باعث می‌شود که دولت‌ها بتوانند تصمیمات دشواری را اتخاذ کنند. نهادینه شدن به‌واسطه تضمین یادگیری و تجربه جمعی باعث بهبود فرایند حکمرانی می‌شود و به‌طور بالقوه از طریق فراهم کردن فرصت برای افراد بیشتر جهت مشارکت در تصمیمات عمومی باعث افزایش اعتماد به دولت و تقویت کیفیت مردم‌سالاری می‌شود.

بدترین حالت خشونت در بین نیروهای اجتماعی افزایش می‌یابد. مشارکت، یکی از ابزارهای حیاتی در تقویت سرمایه اجتماعی و نیز تولید آن است در زمانی که چنین سرمایه‌ای وجود ندارد. به‌طور کلی این فرضیه پذیرفتنی است که دولت با راه‌اندازی فعالانه فرایندهای مشارکتی به‌عنوان دولتی قلمداد می‌شود که پذیرا و پاسخ‌گوی دیدگاه‌های شهروندان است. چنین ویژگی‌هایی منجر به اعتماد بیشتر به سیاستمداران نیز می‌شود، زیرا شهروندان احساس می‌کنند که نمایندگان آنها آمادگی بیشتری برای گوش دادن به نظراتشان دارند [۳].

مشارکت، منجر به افزایش شفافیت و کاهش فساد می‌شود: از آنجاکه در فرایندهای مشورتی اطلاعات دریافتی توسط شهروندان علنی می‌شود، افراد بیشتری از جامعه می‌توانند استدلال‌های استفاده شده در فرایند تصمیم‌گیری را مطالعه و تحلیل کنند. بی‌شک چنین فرایندهایی شفافیت تصمیمات سیاسی را افزایش می‌دهند. در عصری که ارائه اطلاعات غلط نیز به‌طور فزاینده‌ای تبدیل به بخشی از دستور کار عمومی شده است، فرایندی که در آن منابع متفاوت اطلاعاتی در دسترس است و آنها را به‌طور شفاف و عمومی با یکدیگر ترکیب می‌کند، خطر تسلط این نوع اطلاعات بر فرایند تصمیم‌گیری را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر از لحاظ نظری، انحراف و تطمیع گروهی از شهروندان که با یکدیگر مشورت می‌کنند، غیرممکن نیست، اما شرایط، این امر را بسیار سخت می‌کند. در چنین فرایندی تمام شهروندان کاملاً در فرایند تصمیم‌گیری نقش برابر دارند و لذا تعداد زیادی از شهروندان باید فاسد باشند تا بتوانند

۵. مبانی و سازوکارهای مشارکت در اسلام

نظام‌های سیاسی الهی، مقبولیت نظام سیاسی با مشارکت سیاسی محقق می‌شود [۳۱]. بنابراین در اندیشه دینی نمی‌توان همه مسائل را به آرای عمومی سپرد. در اندیشه دینی، عرصه عمومی به دو بخش امرالله و امرالناس تقسیم می‌شود: بخش امرالله به آن دسته از مسائل اختصاص دارد که در متون دینی، نظر خاصی بدان تعلق گرفته است؛ یعنی عرصه‌ای که احکام و قوانین مسلم الهی در آن قرار دارد و بدین جهت حفظ حرمت آن بر هر متدینی واجب و لازم است. حاکمان و متصدیان حکومت دینی نیز از صدر تا ذیل موظف‌اند از چنین حریمی مواظبت کنند؛ چه از آن حیث که خود یکی از

یکی از ارکان مهم پایداری هر نظام سیاسی مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش است. در نظام اسلامی، مردم حاکم بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش و دارای حق مشارکت در همه شئون حیات جمعی هستند.

منظور از مشارکت مردم در عرصه اجتماعی این است که خداوند متعال تعیین سرنوشت جمعی را به خود انسان‌ها تفویض کرده است. به عبارتی بهتری یکی از آزادی‌هایی که انسان‌ها به حکم فطرت، عقل و شریعت دارند، حق تعیین سرنوشت جمعی است [۳۰].

در نظام‌های سیاسی مبتنی بر مبانی اومانیسم، مشروعیت و مقبولیت حکومت با مشارکت سیاسی تحقق پیدا می‌کند اما در



دادوستد کنند و با چه کسی نکنند، رژیم حقوقی دریا چگونه باشد، این‌ها و بسیاری از امور دیگر جزء امرالناس هستند که با نظر و مشورت مردم صورت می‌گیرد [۳۶]. لذا تصمیم‌گیری درباره این امور با در نظر گرفتن اصول و ضوابط و با توجه به مقتضیات و شرایط زمان و مکان و با مشارکت مردم صورت می‌گیرد که در گذر زمان نیز می‌تواند تغییر یابد.

۱-۵. مبانی فقهی مشارکت

تسهیل مشارکت مردم در سرنوشت اجتماعی - سیاسی خویش مبتنی بر اصولی است که در متون اسلامی به آن‌ها اشاره شده است. برخی از آن‌ها به‌قرار زیر است:

نظریه عدل الهی: اگر بشر، موجودی فطرتاً اجتماعی است ناگزیر این نتیجه نیز حاصل می‌شود که انسان به تبع اجتماعی بودن باید سیاسی هم باشد؛ چراکه تشکیل هیچ اجتماعی بدون تدبیر امور و اداره آن ممکن نیست. از طرف دیگر شاید غیر عقلانی و ناعادلانه باشد که انسان به‌عنوان موجودی اجتماعی که در اجتماع نیز زندگی می‌کند اما در سرنوشت اجتماعی خویش دخالتی نداشته باشد. بر اساس نظریه عدل، خداوند حکیم انسان را در زندگی سیاسی خود آزاد گذاشته و قدرت اراده و خلق افعال سیاسی به او داده و بر اساس ملاک‌هایی که عمدتاً ناشی از حسن و قبح عقلی افعال است انسان را مسئول اعمال و کردار سیاسی خود کرده است [۳۷].

اصل رضایت عمومی: رضایت همگانی بر پایه مفهومی است که در متون اسلامی به‌عنوان «رضایت عامه» یا «رضی العامه» آمده است که مطابق آن مسئولان جامعه موظف شده‌اند رضایت عمومی را در نظر بگیرند و اقدامات و برنامه‌های خود در راستای ایجاد و تقویت آن تنظیم نمایند.

در نامه (۵۳) نهج البلاغه حضرت علی (ع) خطاب به مالک اشتر درباره جلب رضایت مردم می‌فرماید: «باید محبوب‌ترین کارها نزد تو اموری باشد که در جهت رعایت حق از همه کامل‌تر و از نظر عدالت شامل‌تر و از نظر رضایت عمومی مردم جامع‌تر باشد، زیرا خشم توده مردم خشنودی خواص (اقلیت پرتوقع) را بی‌اثر می‌سازد اما ناخشنودی خاصان با رضایت عامه مردم بخشوده و جبران‌پذیر است... و (بدان) ستون دین و شکل‌دهنده جمعیت مسلمانان و نیروی دفاعی در برابر دشمنان، تنها توده ملت هستند، بنابراین گوش به‌سوی آن‌ها فراده و توجه به آن‌ها داشته باش» [۳۸]. یکی از راه‌هایی که می‌تواند منجر به افزایش رضایت عمومی شود

افراد معتقد به دین هستند و چه از آن جهت که متولی امور جامعه دینی‌اند [۳۲]. از این رو می‌توان گفت در یک جامعه و حکومت دینی نباید مرزهای احکام و قوانین الهی به‌عنوان امرالله کم‌اهمیت یا نادیده انگاشته شود.

خداوند متعال در آیه (۳۶) سوره احزاب می‌فرماید: «هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است»^۱. از این رو عرصه احکام و دستورات الهی، میدان تبعیت و پیروی است و هیچ مؤمنی حق ندارد اوامر الهی و فرمان‌های پیامبر گرامی اسلام (ص) را مورد بی‌اعتنایی و مخالفت قرار دهد [۳۳].

عرصه امرالناس؛ به اموری از زندگی بشر اطلاق می‌شود که شارع مقدس، الزام خاصی درباره آن‌ها ندارد. در این بخش، حکومت بر اساس نظرات و آرای مردم، هدایت و اداره می‌شود و کارگزاران موظف‌اند طبق خواسته و اراده آنان به مدیریت جامعه بپردازند. با تأمل در آیات و روایات (که در ادامه توضیح داده خواهد شد) می‌توان دریافت که استفاده از آرای افراد جامعه، امری حاشیه‌ای نبوده و نیست بلکه، یک اصل در سیره حکومت اسلام است و حضرت رسول اکرم (ص) موظف بودند در امور جامعه، نظرات و آرای مردم را داشته باشند [۳۲].

از همین منظر و دیدگاه شهید محمدباقر صدر (ره)، احکام اقتصادی اسلام را مشتمل بر دو بخش تعریف می‌نماید ۱- بخشی که شارع، به نحو منجز و مشخص، احکام و قوانین آن را وضع کرده است و هیچ‌گونه تغییر و تبدیل در آن راه ندارد. ۲- بخش دیگر آن، «منطقه الفراغ» نام دارد که رسالت وضع و تشریح قوانین و احکام آن به عهده دولت اسلامی گذاشته شده تا بر اساس مقتضیات هر زمان، جهت وصول و دسترسی به اهداف عامه اقتصاد اسلامی وضع و تقنین گردد [۳۴].

مطابق توضیح بالا پیامبر اسلام (ص) هرگز در احکام الهی با مردم مشورت نمی‌کرد، بلکه در این امور صرفاً تابع وحی بود [۳۵] اما مردم در امور شخصیه و عمومی کشور، صاحب‌رأی هستند زیرا دین الهی آنان را صاحب‌رأی دانسته و رهبر و فقیه جامع‌الشرایط نیز مردم را صاحب‌رأی و حق می‌داند و کمال توجه را به خواسته‌های بر خاسته از آراء و اندیشه‌های بشری آنان می‌کند؛ مثلاً این که مردم چگونه زندگی می‌کنند، چگونه شیلات و کشتیرانی و هواپیمایی داشته باشند، روابط بین‌المللی آنان چگونه باشد، با چه کسی

۱. «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ صِلًا مَبِينًا».

تعیین شورای رهبری یا رهبر، توجه کنند که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند، چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران پذیر نباشد و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسئول می‌باشند. از این قرار، عدم دخالت ملت از مراجع و علمای بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند، همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند؛ چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آتیه؛ و چه بسا که در بعضی مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است» [۴۲].

اصل لزوم نظارت: مردم مسلمان بر اساس تعالیم اسلامی وظیفه و حق دارند که در برابر نحوه اداره امور جامعه بی تفاوت نباشند. امکان انجام این وظیفه و استمرار آن جز با قبول نقش نظارتی مستمر برای مردم و نهادهای منتخب فراهم نخواهد شد [۴۳]. بی‌شک نظارت و مسئولیت در قبال امور و مسائل جامعه موجب جلوگیری از استبداد رأی، همگرایی اجتماعی، انسجام تصمیمات و پیشرفت جامعه خواهد شد.

حضرت محمد (ص) درباره مسئولیت جمعی افراد جامعه می‌فرمایند: «بدانید که همه شما مسئولید و همه شما نسبت به زیردستانش بازخواست می‌شوید»^۱.

حضرت علی (ع) در نامه‌ای خطاب به مردم مصر درباره وظیفه آن‌ها فرمودند: «ای مردم مصر نگویید ما سرپرستی چون مالک و امامی چون علی (ع) داریم. اگر در صحنه حاضر نباشید شکست می‌خورید. ما در حال نبرد و جنگ با باطل هستیم. جامعه‌ای که در خواب باشد دشمن بیدارش او را رها نمی‌کند» [۴۴].

حضرت امام خمینی (ره) نیز در بیاناتی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به مناسبت‌های مختلف داشته‌اند بر لزوم مسئولیت‌پذیری و نقش مردم در فرایندهای سیاسی و نظارت بر تصمیمات و اقدامات مقامات سخن گفته‌اند. از جمله معظّم‌له در سال ۱۳۵۸ در جمع روحانیون و برخی از پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درباره لزوم مراقبت مردم از مسئولان می‌فرمایند: «همه و همه ملت موظف‌اند که نظارت کنند بر این امور. نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن. مسئله، مسئله مهم است. همه ملت موظف‌اند به اینکه نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الآن مربوط به اسلام است... و اگر خدای نخواسته یک کسی پیدا شد که یک کار خلاف کرد، اعتراض کنند مردم؛ مردم

تسهیل مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امورات زندگی خودشان است. در این صورت است که احساس همگرایی و تعلق خاطر در آن‌ها تقویت خواهد شد و با تعامل بهتر حکومت و مردم مسیر پیشرفت جامعه هموارتر می‌شود.

از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) تلاش برای ایجاد احساس رضایت‌مندی در مردم، هم عامل ماندگاری حکومت است و هم رضایت خداوند متعال را به دنبال دارد. از این رو، سفارش امام خمینی (ره) به سازمان‌ها و نهادهای نظام اسلامی آن بود که با پرهیز از سخت‌گیری به مردم با آنان رفتار شایسته‌ای داشته باشند و زمینه مشارکت مردمی در فعالیت‌های دولتی را فراهم سازند؛ زیرا همراهی و همگامی مردم با نظام سیاسی موجب پایداری آن خواهد بود و هر کشوری در پناه پشتیبانی مردم به پیشرفت روزافزون دست می‌یابد [۳۹].

اصل مقدمه واجب: اصل مقدمه واجب از قواعد مهم اصول فقه است که فقها در موارد متعددی به آن تمسک جسته‌اند. بر پایه این قاعده، اگر تحقق واجبی به مقدمات و امور دیگری وابسته باشد، آن مقدمات به تبع و جوب شرعی می‌یابند. بنابراین، همان‌گونه که اصل تأسیس حکومت از ضروریات عقلی محسوب می‌شود، مقدماتی هم که باعث ثبات سیاسی و اقتدار حکومت می‌شوند، از واجبات ضروری به شمار می‌آیند. به عبارت بهتر در شیوه حکمرانی امروزی، اندیشمندان سیاسی بر این باورند که مشارکت سیاسی و همدلی مردم با حکومت، موجب استمرار و ثبات آن می‌شود، بنابراین رعایت حقوق مشارکتی مردم به تبع از واجبات شرعی به شمار می‌آید [۴۰].

بر این اساس حاکم اسلامی می‌تواند مشارکت سیاسی و انتخاباتی را بر تک‌تک افرادی که در سایه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند واجب کند و آنان نیز موظف به اجرای این حکم باشند؛ زیرا این حکم تأمین‌کننده اهداف و موجب تقویت نظام اسلامی است [۴۱]. حضرت امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه الهی-سیاسی خود در شرایط ویژه‌ای که شرکت در انتخابات، مقدمه ضروری برای حفظ نظام باشد، عدم شرکت در آن را نه تنها از گناهان کبیره بلکه بدترین گناه کبیره اعلام کرد: «وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخاب رئیس‌جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می‌کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار می‌شود؛ مثلاً در انتخاب خبرگان برای

۱. «أَلَا كَلِّكُمْ رَاعٍ وَ كَلِّكُمْ مَسْؤُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ».



همه به او اعتراض کنند که آقا چرا این کار را می‌کنی...» [۴۵]. حضرت امام خمینی (ره) از حضور مردم در عرصه اجتماعی و سیاسی به عنوان معجزه و هدیه الهی نام می‌برد و می‌فرماید: «اگر فایده‌ای از این جمهوری اسلامی نداشتیم، الا همین حضور ملت به همه قشرهایش در صحنه و نظارت همه قشرها در امور همه، این یک معجزه‌ای است که جای دیگر من گمان ندارم تحقق پیدا کرده باشد و این یک هدیه الهی است که بدون اینکه دست‌های بشر در آن دخالت داشته باشند، خدای تبارک و تعالی به ما اعطا فرموده است» [۴۶].

۲-۵. ساز و کارهای مشارکت

بررسی و پژوهش در متون اسلامی بیانگر وجود مفاهیم و عباراتی است که بیانگر ساز و کارهای مشارکت مردم در امور سیاسی-اجتماعی است. پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) که موفق به تشکیل دولت اسلامی شدند از راه‌های مختلف مردم را به مشارکت در امور جامعه اسلامی، ترغیب و تشویق می‌کردند.

بیعت: یکی از مظاهر آشکار مشارکت سیاسی در اندیشه اسلامی، بیعت است که از رهگذر اراده جمعی امت، تعامل میان حکومت و جامعه را به نمایش می‌گذارد. بیعت در صدر اسلام دارای اهدافی بود که مهم‌ترین آن را می‌توان در محورهایی چون عضویت رسمی افراد و مجموعه‌ها در جامعه اسلامی، پیمان وفاداری برای شرکت در امر مهم و احراز و اثبات مقبولیت خلاصه کرد. بر این اساس، گاه بیعت برای اعلام حضور و مشارکت در امور مهم و در مواردی هم برای احراز مقبولیت حکومت صورت می‌گرفت. بنابراین بیعت‌هایی که بر خلیفه معصومین (ع) با پاره‌ای از مردم داشتند به قصد مشروع ساختن حکومت‌هایشان نبود، بلکه به قصد فعلیت بخشیدن به آن بود [۳۳].

یکی از مهم‌ترین روایت‌های تاریخی در این باره، نامه حضرت علی (ع) به طلحه و زبیر درباره بیعت‌شکنی آن‌ها است: «شما می‌دانید - هر چند کتمان کنید - که من به دنبال مردم نرفتم؛ آن‌ها به سراغ من آمدند و من دست بیعت به سوی آن‌ها ننگشدم تا آن‌ها با اصرار با من بیعت کردند و شما دو نفر از کسانی بودید که به سراغ من آمدید و با من بیعت کردید... اگر شما از روی میل و رغبت با من بیعت کرده‌اید (بیعت‌شکنی شما حرام بوده) باید باز گردید و فوراً در

پیشگاه خدا توبه کنید و اگر بیعت شما از روی اکراه و نارضایتی بوده راه را برای من نسبت به خود گشوده‌اید، زیرا ظاهراً اظهار اطاعت کردید و در دل، قصد عصیان داشتید (زیرا راه منافقان را پیمودید و این حرکت منافقانه مستوجب عقوبت است)» [۴۷].

شورا: عبارت شورا به معنای رسیدن به راه درست و صحیح از طریق نظر خواهی از عقلا و خردمندان است. در اندیشه سیاسی اسلام، نظریه شورا یا مشورت نزدیک‌ترین نظریه‌ای است که با ایده مشارکت هم‌نشینی مفهومی و معنایی دارد و در عین حال به لحاظ منطقی با آن بیشترین سازگاری را دارد. شورا در اسلام، نهادی اجتماعی - سیاسی است که راهبری جامعه و اعمال حکمرانی را بر اساس خرد جمعی تعریف می‌کند [۴۸].

قرآن کریم که مهم‌ترین و معتبرترین منبع برای دریافت احکام و موازین شرعی است، یکی از امتیازات جامعه اسلامی را حرکت و عمل بر پایه مشورت، تبادل نظر و تصمیم‌گیری جمعی دانسته و بر انجام آن تأکید داشته است [۴۹].

خداوند متعال در آیه (۱۵۹) سوره آل عمران خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آن‌ها را ببخش و برای آن‌ها آمرزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش!) و بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد»^۱. خداوند متعال در آیه (۳۸) سوره شوری می‌فرماید: «و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می‌دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آن‌هاست و از آنچه به آن‌ها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند»^۲.

علامه طباطبایی درباره این آیه سوره شوری عنوان می‌دارد: «در جمله «و امر هم شوری بینهم» به ویژگی مهم و بنیادی مؤمنان اهل رشد و عمل اشاره شده بدین صورت که آنان در به دست آوردن اندیشه صحیح و دیدگاه جامع و متقن به صاحبان عقل و اندیشه و خرد مراجعه می‌کنند و ضمن جمع‌آوری کلیه دیدگاه‌ها، بهترین آن‌ها را گزینش و تبعیت می‌کنند و در واقع این آیه با آیه «الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» نزدیک است: و راه رسیدن به بهترین راه‌های موجود در هر عرصه‌ای برای دستیابی به واقعیت مشورت است: چرا که... هیچ قومی در کارهایشان با یکدیگر

۱. «فَیْمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ ظَلَمًا غَلِیظًا لَّانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ سَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ».

۲. «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ».

■ آیه (۱۱۰) سوره آل عمران: «شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید...»^۲

■ آیه (۴۱) سوره حج: «همان کسانی که هر گاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را بر پا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست»^۳

نصیحت ائمه مسلمین: «نصیحت ائمه مسلمین» یکی از مفاهیم مرتبط با رابطه حکومت و مردم در اندیشه دینی است که از دیرباز در فقه سیاسی اسلام مطرح بوده است. براساس این مفهوم همه مردم حق دارند زمامداران را نصیحت و آرا و نظریات خیرخواهانه و مشفقانه خود را برای اطلاع‌رسانی و راهنمایی کارگزاران حکومت از اوضاع و احوال جامعه یا برای اصلاح رفتار آنان مطرح سازند [۴۰]. فریضه «نصیحت ائمه مسلمین» از چنان جایگاه و اهمیتی در منظومه‌گفتمانی حضرت علی (ع) برخوردار است که آن را حق حاکم بر مردم دانسته تا به طور طبیعی مردم به انجام آن مکلف باشند و نتوانند آن را کنار بگذارند: «و اما حق من بر شما این است که: به بیعت وفادار باشید و در نهان و آشکار، حق خیر خواهی ادا کنید، چون شما را بخوانم، اجابت نمایید و چون فرمان دهم بپذیرید»^۴.

با این توضیحات می‌باید اذعان داشت در نظام سیاسی اسلام مبتنی بر نص قرآن کریم، سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) مشارکت مردم در امور اجتماعی به شیوه‌های مختلف جایگاه فوق‌العاده‌ای دارد. البته عملیاتی شدن حضور مردم در عرصه سیاسی-اجتماعی مستلزم تعهد کارگزاران نظام سیاسی به رعایت آزادی‌های شرعی و قانونی، برابری و روحیه انتقادپذیری و از سوی دیگر نهادسازی در راستای تسهیل مشارکت آن‌ها برای اثرگذاری بر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌ها در سطوح مختلف حکمرانی است.

مشورت نکردند مگر آنکه به بهترین راه‌های موجود دست یافتند» [۵۰].

نکته حائز اهمیت آن است بر اساس نظریه وجوب تعلیمی، چون معصوم (ع) مصون از خطا و اشتباه حتی در امر سیاسی است، حکم قرآنی شورا نسبت به معصوم (ع) ماهیت تعلیمی پیدا می‌کند و این وجوب از باب «تعلیم امت» است [۵۱]. در واقع نکته مهم آن است که حتی پیامبر اسلام (ص) که معصوم و متصل به منبع وحی بوده متعهد به انجام مشورت در امر سیاسی است و در جنگ بدر، احد، خندق، روز حدیبیه، فتح مکه، غزوه طائف و تبوک... با یاران و اصحاب خود به مشورت می‌پرداخت.

امر به معروف و نهی از منکر: فریضه امر به معروف و نهی از منکر؛ رسالتی همگانی در راستای اصلاح اعمال و رفتار فردی و مقابله با انحرافات در جامعه اسلامی است. هر چند امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو فرع از فروع دین مطرح است، اما از نظر تأثیری که از مجموعه تعالیم دینی می‌گذارد، چنان وسیع است که بخش اعظم شریعت را در بر می‌گیرد [۵۲].

امرونی در امور مربوط به مدیریت سیاسی و اداره جامعه، یکی از حوزه‌های این تکلیف دینی به شمار می‌آید. دیدگاه جامع‌نگر به دین که تعالیم دینی را از حوزه فردیت و معنویت به گستره اجتماع تسری می‌دهد، عرصه سیاست و اجتماع را بارزترین نمود امر به معروف و نهی از منکر می‌داند. با این تفکر، کلیه شهروندان در قبال اوضاع جاری جامعه، رفتار و گفتار صاحبان قدرت و کارگزاران حکومت اسلامی، وظیفه نقد، نصیحت و نظارت را بر عهده دارند [۴۰].

در قرآن کریم آیه‌های بسیاری درباره امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

■ آیه (۱۰۴) سوره آل عمران: «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگارانند»^۱.

۱. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

۲. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ».

۳. «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوُا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ».

۴. «وَ أَمَا حَقِّي عَلَيْكُمْ؛ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ، وَ التَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ وَ الْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ، وَ الطَّاعَةُ حِينَ أَمْرُكُمْ».



۶. الگوهای مشارکت در سطح محلی



نه به‌عنوان پایین‌ترین پله نردبان مشارکت. ماهیت این سطح بیانگر آن است که مقامات محلی متعهد به تضمین دسترسی آسان مردم به اطلاعات هستند.

در این سطح اطلاع‌رسانی مستلزم دو اقدام مهم است. ابتدا مطالعات و اسناد از حالت محرمانگی خارج شوند و عموم امکان دسترسی به آن را داشته باشند. دوم آنکه به میان مردم رفته و موضوع متناسب با فهم مخاطب شرح و بازگویی شود. لذا شفافیت در اطلاعات و تسهیل دسترسی مخاطب می‌تواند دو معیار برای ارزیابی این سطح از اقدام باشد [۵۴].

در سطح بعدی فرایندهایی هستند که باید با مردم مشورت شود یا «بازخورد عمومی را در مورد تجزیه و تحلیل، جایگزین‌ها و/یا تصمیم‌ها به‌دست آورد». فرایندهای مشاوره حداقل در صورت وجود، اختیار تصمیم‌گیری مشترک را فراهم می‌کند و وعده داده می‌شود که «به نگرانی‌ها و خواسته‌های [شهروندان] گوش داده و آنها را تصدیق کند و بازخوردی در مورد اینکه چگونه ورودی عمومی بر تصمیم‌گیری تأثیر گذاشته است، ارائه می‌دهد». برخی از نمونه‌های حضوری شامل جلسات عمومی سنتی و گروه‌های کانونی است. سایر فرایندهای مشاوره از راه دور از طریق نظرسنجی شهروندان انجام می‌شود. برخی دیگر از طریق وبسایت‌های تعاملی و به‌وسیله وبسایت‌های عمومی که از رسانه‌های اجتماعی و فناوری‌های Web 2.0 استفاده می‌کنند، انجام می‌شوند [۵۵]. سطح دیگر تلاش برای سامان‌دهی صدای اعتراض شهروندان در خصوص نحوه خودگردانی محلی است. در قالب این سازوکار هر شهروند و گروه‌های اجتماعی این حق را دارد که درخواست‌ها، دادخواهی‌ها و شکایات خود را در مورد موضوعات مرتبط با وظایف و صلاحیت‌های نهادهای محلی مطرح کند. نهادهای دولت خودگردان محلی نیز موظف هستند که شکایات و تذکرات را بررسی کنند و طبق ضرب‌الاجل تعیین شده توسط قانون به آنها پاسخ دهند. در این قالب ضرورت دارد تا به‌منظور بهبود کارایی در سطح محلی، مقامات یک فرایند ساده و شفاف از روش‌های ثبت شکایات را ایجاد، توسعه و پیاده‌سازی کنند تا مشکلات و نگرانی‌های شهروندان درباره موضوعاتی مانند نظافت شهر، زیرساخت‌ها، آموزش، حمل‌ونقل عمومی، فضاهای عمومی،

یکی از شاخصه‌های نظام مبتنی بر مردم‌سالاری، پذیرندگی یا باز بودن آن در برابر مردم است. البته ممکن است بسیاری از افراد ترجیح دهند که وقت خود را صرف فعالیت‌ها و امور دیگر کنند یا با مشکلات و محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی مواجه هستند و بنابراین زمان فعالیت جهت تأثیرگذاری بر امور را نداشته باشند. با وجود این سادگی و آسانی مشارکت در سطح محلی به مردم‌سالاری ارزش ویژه‌ای می‌دهد. ارزش حیاتی حکمرانی محلی این است که باز است، موانع اندکی برای بیان نظرات و دیدگاه‌ها دارد و مشکلات سازمان‌دهی ضعیف و عدم دسترسی به منابع را تا حدی جبران می‌کند.

البته به‌کارگیری مدل‌های مشارکتی در فرایند سیاستگذاری در سطح محلی منوط به آن است که مقامات به‌منظور بهبود فرایند تصمیم‌گیری باید یک برنامه اجرایی محلی را طراحی و پیاده‌سازی کنند تا دسترسی به بینش‌ها، دیدگاه‌ها و تخصص‌های نهادها و بازیگران مختلف (شهروندان، نهادهای اجتماعی، کسب‌وکارها و...) میسر شود. در این فرایند، رویکرد نهادها در سطح محلی باید مبتنی بر سیاستگذاری باز^۱ باشد تا تدوین و توسعه سیاست‌ها به روشی شفاف و مشارکتی انجام شود. سیاستگذاری باز؛ روشی را برای اتخاذ سیاست‌ها و تصمیمات توصیف می‌کند که ماهیتی تعاملی دارد. این امر به دولت‌های محلی اجازه خواهد داد که بهتر بین سیاستگذاری و نیازها و نگرانی‌های مردم ارتباط برقرار کنند و در نتیجه، برنامه‌های اجرایی و سیاست‌های محلی را پیاده‌سازی کنند [۵۳]. شایان‌ذکر است یک روش واحد برای سیاستگذاری باز وجود ندارد و تصمیمات سیاسی با توجه به موضوع، زمان، شرایط و... به رویکردها و فرایندهای متفاوتی نیاز دارند.

در سطح اول طیف، فرایندهایی هستند که به اطلاع عموم می‌رسند یا «اطلاعات عینی را در اختیار عموم قرار می‌دهند تا به آنها در درک مشکل، جایگزین‌ها، فرصت‌ها و/یا راه‌حل‌ها کمک کند». در این سطح، عموم مردم عملاً هیچ اختیار سهیم شده‌ای در تصمیم‌گیری ندارند. بنابراین، وعده‌ای که دولت (در سطح ملی یا محلی) به مردم داده، به‌سادگی این است که «ما شمارا در جریان خواهیم گذاشت». البته اطلاع‌رسانی به مردم باید به‌عنوان یک اصل اساسی در مورد نحوه تعامل دولت محلی با شهروندان تلقی شود و

1. Open Policymaking

شده‌اند یا وقتی که جامعه با چالش‌های متعددی مواجه است. برخی شهرداری‌ها، قوانینی درباره «حق دانستن»^۲ دارند که مقامات را ملزم می‌سازند به صورت منظم مسائل کلیدی (مانند تهدیدات زیست‌محیطی یا مسائل مربوط به بودجه) را به اطلاع عموم برسانند و این کار اغلب از طریق جلسات عمومی صورت می‌پذیرد. شیوه‌های طراحی جلسات عمومی (از جمله ظواهری مانند نحوه چیدمان صندلی‌ها و سخنرانان) به منظور ارتقای گفتگوی مؤثرتر و تعاملی‌تر حائز اهمیت است [۶].

گفتگوی شهروندان: گفتگوی شهروندان،^۳ نوعی از دموکراسی مستقیم است. گفتگوی شهروندی چشم‌انداز تازه‌ای را روی میز می‌آورد و درک عمیق‌تری از نیازها و اولویت‌های عمومی را تقویت می‌کند. در این مدل، مردم به صورت تصادفی انتخاب می‌شوند تا اطمینان حاصل شود که شرکت‌کنندگان تا حد امکان متنوع هستند. البته این ریسک وجود دارد که اگر نتواند به طیف متنوعی از صداها برسد، فرایند گفتگوی شهروندان به سادگی منحرف شود. در واقع در هر فرایندی، پتانسیل تسخیر توسط گروه‌های ذی‌نفع به خوبی سازمان‌دهی شده وجود دارد. این گروه‌ها با شبکه‌های مستقر و حامیان پرسروصدا، می‌توانند به راحتی بر گفتگوها مسلط شوند، این فرایند را با دیدگاه‌های خود اشباع کنند و به‌طور بالقوه صدای افراد و گروه‌های کمتر سازمان‌یافته یا به حاشیه رانده شده را منزوی سازند [۵۶].

مدل گفتگوی شهروندان بیشتر مناسب اطلاع‌رسانی مسائل سیاسی به شهروندان و جمع‌آوری ایده‌ها و واکنش‌های کلی است، به جای اینکه منتهی به پیشنهادها یا دقایق برای سیاستگذاران شود. غالباً این مدل بخشی از یک استراتژی مشارکتی گسترده‌تر است. مدل گفتگوی شهروندان گاهی اوقات اجلاس شهروندی، رویداد مشورتی، انجمن شهروندی و کارگاه‌های مشورتی^۴ نیز نامیده می‌شود [۱۷].

نظرسنجی یا رأی‌گیری مشورتی: در نظرسنجی یا رأی‌گیری مشورتی،^۵ ابتدا یک نظرسنجی از شهروندان با هدف سنجش نگرش‌های اولیه آنها نسبت به یک سؤال سیاستی انجام می‌شود. پس از جلسات عمومی که در آنها شهروندان در قالب گروه‌های کوچک و با کمک تسهیلگران ماهر سؤالات خود را از متخصصان

ساخت و سازها، حیوانات و ... را بیان کنند تا به سرعت مورد بررسی قرار گیرد.

سطح دیگر زمانی شکل می‌گیرد که تعامل بین مردم و تصمیم‌گیران دوسویه باشد، یعنی مسئولین تنها شنوای نظرات مردمی نباشند، بلکه ملزم به پاسخ‌گویی در برابر مردم شوند و بین آنها گفتگو شکل بگیرد. الزام به پاسخ‌گویی به نظرات مخاطبین و همین‌طور حضور مسئولین و تصمیم‌گیرندگان در بین جامعه و ارتباط با آنها عواملی هستند که دستیابی به این سطح را مقدور می‌سازند. در این سطح ممکن است دستیابی به تفاهم و وفاق جمعی مبنا و معیار قرار گیرد یا واگذاری کامل قدرت تصمیم‌گیری به شهروندان در اولویت باشد [۵۴]. به‌طور کلی برای تصمیم‌گیری، رویکردها و روش‌های مشارکتی بسیار متنوع و گوناگونی بیان شده که در ادامه برخی از مهم‌ترین آنها توضیح داده می‌شوند:

۱-۶. جمع‌آوری و انتشار اطلاعات

این نوع فرایند مشتمل بر تحقیق و تحلیل یا ارائه اطلاعات به شهروندان و گروه‌های اجتماعی است. نمونه‌گیری از جمعیت، استخراج دیدگاه‌هایی که با ابزارهای سنتی کشف نمی‌شوند، طرح سؤالاتی که پاسخ‌های مشخصی در پی دارند، نحوه طرح سؤال و آگاهی از دیدگاه‌های افراد کلیدی درگیر در یک مسئله خاص از جمله مثال‌های خاص آن هستند. فرایندهای جمع‌آوری و انتشار اطلاعات غالباً کارکرد آموزش اجتماعی دارند. نقاط قوت این روش آن است که می‌تواند مسئله بی‌اطلاعی یا بی‌توجهی نسبت به سایر دیدگاه‌ها را حل و فصل کند و اطلاعات ارزشمندی در اختیار تصمیم‌گیران قبل از هرگونه اقدام قرار دهد. نقاط ضعف آن است که اطلاعات می‌تواند ماهیت آشتی‌ناپذیر برخی دیدگاه‌ها را تحلیل برد و زمانی که مقامات محلی از طریق نشر اطلاعات تعهدی می‌سپارند، عمل به آن همیشه آسان نیست. از جمله شیوه‌های مرتبط با این رویکرد می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

جلسات عمومی نوآورانه و انجمن‌های اجتماعی: یکی از اشکال سنتی جمع‌آوری و انتشار اطلاعات، برگزاری جلسات عمومی است. گاهی قانون آنها را الزامی کرده، مانند زمانی که قرار است تصمیمات تنش‌زایی اتخاذ شوند یا چنین تصمیماتی اتخاذ

1. Innovative Public Meetings and Community Forums
2. Right-to-Know
3. Citizens' Dialogues
4. Citizens' Summits, Deliberative Events, Citizens' Forums, and Deliberative Workshops
5. Deliberative Poll/Survey



قدرت هستند این رویکرد را از رویکردهای دیگر متمایز می‌کند. نقطه قوت این روش آن است که تمامی دیدگاه‌ها شنیده می‌شوند و گروه‌های محروم یا محذوف احساس می‌کنند که در این فرایند ورودی‌هایی داشته‌اند، اما نقاط ضعف آن است که برخی از فرایندها به ویژه آنها که طولانی می‌شوند احتمالاً به نتیجه نمی‌رسند و گاهی مشورت روشن می‌سازد که نمی‌توان میان برخی دیدگاه‌ها مصالحه ایجاد کرد [۱۷].

رویکردهای مشاوره عمومی می‌تواند آفلاین و آنلاین یا ترکیبی از این دو باشد. اهداف اصلی آن عبارتند از: بهبود کارایی، شفافیت و مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های مهم. انجام به موقع و مؤثر آن باعث افزایش کیفیت فرایند تصمیم‌گیری، بهبود انطباق با قانون، کاهش هزینه‌های اجرایی و افزایش اعتماد عمومی به فرایند تصمیم‌گیری می‌شود [۵۳]. از جمله شیوه‌های مرتبط با این رویکرد می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

مشاوره‌های موردی خاص و انجمن‌های موضوعی:^۲ این روش مشتمل بر گفتگوهای ساختار بندی شده درباره مسائل مبتلابه جامعه بر بنیانی موقتی است که در آنها به صورتی نظام‌مند با شرکت کنندگان اصلی درباره گزینه‌های سیاستی مشورت می‌شود. این جلسات مسئله‌محور را می‌توان به صورت موردی یا یک مجموعه برگزار کرد که می‌تواند شرکت کنندگان مشخصی داشته باشد یا تغییر کنند. هدف مشورت کسب اطلاعات بیشتر درباره ریشه‌های مسئله، درگیر کردن گروه‌های ذی‌نفع درباره سیاست‌های بالقوه و ارائه توصیه است. این جلسات مشورتی است به این معنا که قرار نیست تصمیمات اجرایی بگیرند. در اغلب مواقع، توصیه‌ها به مقامات منتخب ارائه می‌شود و در پایان آنها هستند که تصمیم می‌گیرند کدام سیاست انتخاب شود.

شوراهای مشورت با شهروندان:^۳ این روش مشتمل بر تشکیل هیئت نمایندگی شهروندان با دانشی ویژه یا علاقه‌مند به یک مسئله است تا به مقامات محلی مشاوره ارائه دهد. برنامه‌های پایشی شهروندمحور به افراد امکان می‌دهند تا مستقیماً درباره کارآمدی یک سیاست یا برنامه خاص طرف مشورت قرار گیرند و آنها را درگیر توصیه برای بهبود می‌کند. یکی از روش‌های معمول تشکیل یک هیئت دائمی شهروندی است که به ارزیابی تأثیرات برنامه‌ها بر جامعه می‌پردازد و به صورت مرتب دیدگاه خود درباره

می‌پرسند، نظرسنجی دوم برای ثبت تغییر نظر شهروندانی که با دقت سؤال سیاستی را بررسی کرده‌اند، انجام می‌شود [۵۷]. تغییر نظر شهروندان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و به اطلاع مقام دولتی یا عمومی می‌رسد.

نظرسنجی مشورتی یک شکل منحصربه‌فرد از مشاوره عمومی است که با هدف بهبود کیفیت تصمیم‌گیری دمکراتیک از طریق اجازه دادن به شهروندان برای شرکت در گفتگوی آگاهانه و محرمانه در مورد موضوعات پیچیده سیاستی است. از طریق نظرسنجی مشورتی، شهروندان می‌توانند نظرات خود را به اشتراک بگذارند، دیدگاه‌های جایگزین را در نظر بگیرند و به نظرات آگاهانه و سنجیده در مورد موضوعاتی که بر آنها تأثیر می‌گذارد برسند. در سال‌های اخیر، نظرسنجی مشورتی به عنوان ابزاری ارزشمند برای تقویت حکومت مردم‌سالار و ارتقای مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری عمومی شناخته شده است [۵۸].

موضوع مهم آن است که شرکت کنندگان بر اساس جنسیت، نژاد، تحصیلات و پیشینه اجتماعی-اقتصادی، نمونه‌ای معرف از جامعه باشند. تصور می‌شود که تغییرات حاصل در نظرات نشان‌دهنده نتایجی است که عموم مردم در صورت داشتن فرصتی برای آگاهی بیشتر در مورد مسائل به آن می‌رسند. اغلب نظرسنجی مشورتی تغییرات چشمگیر و آماری قابل توجهی در دیدگاه‌ها ایجاد می‌کند [۵۹].

این مدل از مشارکت مشورتی به علت رویکرد علمی از نظر طراحی بسیار سختگیرانه و غیر قابل انعطاف پذیر است و فرصتی به شهروندان برای تأثیرگذاری روی فرایند داده نمی‌شود. این مدل بیشتر مناسب شناسایی تغییر نظر شهروندان تا تهیه پیشنهادهای دقیق یا افزایش نقش شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری است [۱۷].

۲-۶. مشاوره عمومی

مشخصه رویکردهای مرتبط با مشاوره عمومی^۱ وجود ساختارها و اقداماتی است که به واسطه آنها به صورتی نظام‌مند با افرادی که تحت تأثیر یک سیاست قرار گرفته‌اند (به صورت تکی یا گروهی) مشورت می‌شود. بعد از مشورت نظام‌مند، سیاستگذاران (مانند مقامات منتخب) تصمیماتی اتخاذ می‌کنند که تا حد ممکن با موضع‌گیری‌های مختلف سازگار باشند. مشورت مشتمل بر یادگیری است، اما عنصر تصمیم‌گیری توسط کسانی که در موضع

1. Public Consultation

2. Issue-Specific ad hoc Consultations and Issue Forums

3. Citizen Advisory Councils

چراکه با رفتار عادلانه و منصفانه نیز ارتباط نزدیک دارد، در حقیقت نتایج بهتر؛ یعنی اینکه موضوع به صورت درست و صحیح و مطابق با معیارهای معتبر مورد بررسی قرار گیرد و رفتار با افراد براساس معیارهای معتبر قانونی، جزء اصلی رفتار عادلانه تلقی می‌شود. بنابراین اصل استماع و گوش فرادادن ابزاری است برای رفتار منصفانه. همچنین استماع سخنان افراد در جریان تصمیم‌گیری، نشان‌دهنده احترام و ارج نهادن به حیثیت و کرامت انسانی محسوب می‌شود [۶۰].

فرایندهای اجتماعی ارائه چشم‌انداز:^۲ اهمیت چشم‌انداز و چشم‌اندازسازی در تعیین سرنوشت اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهرها و محلات به گونه‌ای است که می‌توان آن را به مثابه قلب فرایند برنامه‌ریزی و طراحی شهری راهبردی محسوب کرد. چشم‌انداز، توصیف روشن و فشرده‌ای است از سیمایی که شهر در آینده و پس از به فعلیت درآمدن کلیه توان‌های بالقوه‌اش پیدا می‌کند. در مورد ساختار و محتوای فرایند چشم‌اندازسازی، دیدگاه‌های متنوعی وجود دارد که در انطباق با شرایط جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع گوناگون شکل گرفته‌اند. بی‌شک دستیابی به چشم‌انداز مشترک در برخی کشورهای به واسطه ساختارها و نهادهای اجتماعی توانمند با سهولت نسبی صورت می‌گیرد، اما در برخی کشورهای دیگر جلب مشارکت سازمان‌یافته بخش‌های گوناگون جامعه و حصول اجماع با چالش‌های فراوان مواجه است. شایان ذکر است که یک بیانیه چشم‌انداز باید دارای ویژگی‌هایی همچون تدوین براساس آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، آسان‌فهم، تصویربرانگیز، نام‌گذاری نمادین، افق زمانی، شاخص‌های اندازه‌گیری کیفیت محوری، مبتنی بر ارزش‌های مشترک ساکنین و ... باشد [۶۱]. اگر فرایند اجتماعی ارائه چشم‌انداز به شیوه‌ای صحیح صورت گیرد و ترسیم افق آینده با اجماع و توافق انجام شود، تسهیل حمایت و پشتیبانی مردم از تصمیمات و سیاستگذاری مقامات محلی برای نیل به آن اهداف می‌تواند بهتر صورت گیرد.

۳-۶. فرایندهای تصمیم‌گیری^۳

در فرایندهای تصمیم‌گیری، شرکت‌کنندگان هستند که در مورد مسئله در دستور کار حرف آخر را می‌زنند. تصمیم‌نهایی درباره

میزان دستیابی برنامه به اهدافش را به مقامات گزارش کند. مزیت هیئت‌های دائمی (نسبت به ساز و کارهای موقت) این است که با گذشت زمان شهروندان می‌توانند حافظه جمعی، تخصص و نیز آگاهی‌های لازم نسبت به یک مسئله را کسب کنند. اگرچه این نهادها دائمی هستند، اما معمولاً شرکت‌کنندگان در طول زمان تغییر می‌کنند. به عبارت دیگر، می‌توان آنها را به گونه‌ای طراحی کرد که طی زمان و همگام با تغییر اعضا واقعاً پویا و سیال باشند [۶].

استماع عمومی:^۱ استماع عمومی به عنوان یکی از اشکال سنتی مشارکت اجتماعی به معنای راهی برای مشورت رسمی با گروه‌های متأثر از یک قانون یا سیاست از طریق گزینش یا دعوت عمومی درباره مسائلی که بالقوه تنش‌زا هستند، است. معمولاً شرکت‌کنندگان در فرایندی شفاف و علنی، درباره موضوع در دست بررسی اظهار نظر یا سؤال می‌کنند یا در برابر آنها شهادت می‌دهند. مدعای این روش آن است که مقامات و مراجع تصمیم‌گیر قبل از تصمیم‌گیری در مورد حقوق و منافع افراد باید سخنان، دلایل و دفاعیات آنها را نیز بشنوند و این فرصت را برای افراد فراهم سازند تا از منافع و حقوق خویش در فرایند تصمیم‌گیری و رسیدگی اداری دفاع کرده و بتوانند در جهت پیشبرد آن تلاش کنند.

حق استماع و گوش فرادادن که در حقیقت ارتباط نزدیکی با مشارکت افراد پیدا می‌کند، مزیت‌های متعددی دارد: اولین مزیت آن این است که به بهتر شدن تصمیمات یاری می‌رساند. بهتر شدن تصمیمات به این است که در مورد حقایق و واقعیات موضوع در دستور کار به شکلی صحیح و درست تصمیم‌گیری شود. در واقع فردی که در یک موقعیتی قرار گرفته است و مقامات محلی می‌خواهند در مورد او تصمیمی بگیرند، اغلب این امکان را دارد تا اطلاعات مفیدی را در مورد آن وضعیت در اختیار مسئولان قرار دهد؛ اطلاعاتی که بیشتر آنها به راحتی قابل دسترس نیست. به طور معمول بهترین نتایج بعد از بیان استدلال‌های گوناگون و مشورت و شورخواهی است که به دست می‌آید. دلیل دیگر برای مزیت و سودمندی استماع و گوش فرادادن، این است که فرایند استماع از این جهت که ممکن است باعث آشکار شدن نقص‌های تصمیم گرفته‌شده بشود نیز واجد اهمیت است. در این سطح، اصل استماع و گوش فرادادن نوعی آیین برای به دست آوردن نتایج بهتر است. اما با وجود این، اصل مزبور چیزی بیش از این مراتب است.

1. Public Hearings
2. Community Visioning Processes
3. Decision-Making Processes



یک معضل می‌شوند. هدف فراهم آوردن امکان گفتگوهای اولیه و باز برای کمک به تعریف مسئله، چارچوب‌بندی مجموعه‌ای از راه‌حل‌ها و شناسایی موانع اجرای آنهاست. پس از یک دوره گفتگو، میانجی یا تسهیلگر، سندی را آماده کرده و در آن یافته‌ها و توصیه‌هایی که درباره آنها اجماع وجود دارد را خلاصه‌وار بیان می‌کند. این سند کوتاه، بنیانی را برای بحث‌های دو یا سه روز آینده تشکیل می‌دهد و تا زمانی که همه طرف‌ها موافقت خود را اعلام کنند یا تفاوت‌های لاینحل شناسایی شوند، مورد بازنگری قرار می‌گیرد. سند کوتاهی که در خاتمه کار کارگاه تهیه می‌شود تصمیمی است که شرکت‌کنندگان درباره نحوه حل مؤثر مسئله به آن دست یافته‌اند [۶].

بودجه‌ریزی مشارکتی: مشارکت عمومی در فرایند بودجه‌ریزی یکی از راه‌های حیاتی کمک به جامعه برای درک کامل‌تر مسئولیت‌ها و محدودیت‌های حکومت محلی است. بودجه؛ اولویت‌ها را تعیین کرده و به تشریح، تعریف و حتی تعیین کیفیت اولویت‌های اجتماعی کمک می‌کند. در بودجه‌ریزی مشارکتی، شهروندان این فرصت را دارند که اطلاعات مهمی از اقدامات حکومت محلی به دست آورند، بر سیاست‌ها تأثیر بگذارند و آن را وادار به پاسخ‌گویی کنند. برنامه‌های بودجه‌ریزی مشارکتی، فرصت‌هایی برای دخالت، آموزش و توانمند شدن شهروندان فراهم می‌کند که می‌تواند جامعه‌ای بانشاط‌تر و سرزنده‌تر به وجود آورد. بودجه‌ریزی مشارکتی به افزایش شفافیت نیز کمک می‌کند و شفافیت می‌تواند ناکارآمدی‌ها و فساد را کاهش دهد. از سوی دیگر به شهروندانی که از گروه‌های محروم و طردشده هستند این فرصت را می‌دهد که به‌عنوان یک بازیگر به کانون تصمیم‌گیری منتقل شوند و تصمیماتی بگیرند که بر نحوه عملکرد حکومت تأثیر خواهد داشت.

بودجه‌ریزی مشارکتی برای اولین بار در سال ۱۹۸۹ در شهر پرتو آلگره برزیل به کار گرفته شد. در آن زمان، این شهر با مشکلاتی همچون توزیع ناعادلانه درآمد، سطح پایین مشارکت عمومی، مدیریت ناکارآمد منابع شهری و عدم شفافیت در اقدامات دولت مواجه بود. دولت برزیل برای حل این مشکلات سامانه بودجه‌ریزی مشارکتی را ارائه کرد. این مدل نه تنها برای برنامه‌های مشابه در برزیل به کار گرفته شد، بلکه در کشورها و مناطق دیگر همچون

موضوع توسط خود شرکت‌کنندگان گرفته می‌شود و مقامات نمی‌توانند آن را نقض کنند. اینکه چه کسی در جلسه حاضر شود و مشروعیت مشارکت آنها در تصمیم‌گیری، نحوه اتخاذ تصمیمات (برای مثال به اتفاق آرا یا اکثریت) و چگونه می‌توان مسائل را حل کرد وقتی دستیابی به اجماع غیرممکن است، برخی از مسائلی هستند که در فرایندهای تصمیم‌گیری مطرح می‌شوند. نقاط قوت این روش آن است که مردم وقتی خودشان تصمیمات را اتخاذ کرده باشند درباره آن احساس مالکیت می‌کنند و وقتی قرار است انتخاب دشواری صورت پذیرد این فرایندهای الزام‌آور تصمیم‌گیری می‌توانند مفید باشند. نقاط ضعف آن است که گاهی رسیدن به توافق بسیار دشوارتر از چیزی است که در ابتدا تصور شده است.

هیئت منصفه شهروندی: هیئت منصفه شهروندان از سه گروه افراد تشکیل شده است: شهروندان، شهود متخصص و تسهیل‌کنندگان. دوازده نفر یا بیشتر از عموم در روند گفتگو تحت هدایت یک تسهیلگر شرکت می‌کنند. آنان به پرسش از متخصصین ویژه‌ای می‌پردازند که شهود نامیده می‌شوند و به واسطه آگاهی از یک موضوع خاص انتخاب شده‌اند. در نهایت پیشنهاد شهروندان با بهره‌گیری از اطلاعات این متخصصین در قالب گزارش شهروندان برای مقامات محلی ارسال می‌شود. نهاد مربوطه (برای مثال شورای محلی) باید به این گزارش پاسخ دهد یا به‌موجب آن اقدام کند یا توضیح دهد که چرا با آن مخالف است. این هیئت‌ها، نخستین بار در آمریکا شکل گرفتند، اما بیشترین استفاده آنها در انگلستان بوده است. از این مدل همچنین در استرالیا، هند و برزیل استفاده شده است. جلسات هیئت منصفه در صورتی که شورا خود را ملزم به تصویب پیشنهاد آنها بداند و این مدل سیاست مشارکتی تبدیل به یک جنبه نهادی شده قانونگذاری شود می‌تواند نقش مهمی در تضمین کیفی مشارکت شهروندان ایفا کند [۶۲]. همچنین این مدل را می‌توان هر چند وقت یک‌بار به‌عنوان یک روش مفید به کار گرفت تا با استفاده از آن شهروندان بتوانند توجه دولت‌های محلی یا منطقه‌ای را به سمت مسائل مهم جلب کنند [۱۷].

کارگاه‌های حل مسئله: در کارگاه‌های حل مسئله، شرکت‌کنندگان درگیر تحقیقی ابتکاری و اجماع‌محور برای حل

1. Citizen juries
2. Problem-Solving Workshops
3. Participatory Budgeting

این مکانیسم‌ها به‌طور مستمر و پیوسته مورد استفاده قرار گیرند، می‌توانند به دولت‌ها در زمینه شناسایی ایده‌های جدید و افزایش اعتماد و مشارکت شهروندان کمک کنند.

مکانیسم‌های ثبت شکایت در سطح محلی برای رسیدگی به نگرانی‌ها و مشکلات شهروندان مهم هستند. شهروندان می‌توانند شکایات خود را از طریق یک مرکز چندمنظوره^۳ به دولت‌های محلی ارسال کنند. آنها از طریق ارسال نامه یا شماره تلفن اختصاصی که برای این منظور فراهم شده است نگرانی‌ها و مشکلات را مطرح می‌کنند. واحدهای دولت‌های محلی دارای مقرراتی^۴ هستند که رویه‌های رسیدگی به شکایات و حل و فصل را شرح می‌دهند و باید الگوهای فرم شکایات وجود داشته باشد تا ارائه بازخورد توسط شهروندان و ثبت شکایات تسهیل شود [۵۳].

دادخواست‌های عمومی: دادخواست‌های عمومی^۵ به شهروندان این امکان را می‌دهد که مشکلات و مسائل را با مقامات در میان بگذارند. تعداد امضاهای جمع‌آوری شده می‌تواند نشان‌دهنده میزان حمایت از موضوعات مطرح شده باشد. هدف از دادخواست‌های عمومی می‌تواند شرح مشکل یا درخواست اقدامات خاص باشد. ارائه دادخواست غالباً یک فعالیت اجتماعی است که به‌طور فزاینده‌ای از طریق پلتفرم‌های رسمی و غالباً آنلاین ارسال می‌شوند که به‌موجب آن دادخواست‌هایی با تعداد مشخصی امضا، پاسخ رسمی دریافت می‌کنند.

دادخواست‌های عمومی یک مکانیسم مهم برای مقامات محلی جهت تعامل با مردمی است که می‌خواهند به آنها خدمت کرده و از منافع عمومی‌شان محافظت کنند. همچنین دادخواست‌های عمومی از نظر مشارکت شهروندان در فرایند دمکراتیک و تأثیرگذاری روی بحث‌ها و تصمیمات عمومی حائز اهمیت هستند [۵۳].

شایان ذکر است انتخاب مناسب‌ترین شیوه و الگوی مشارکتی بستگی به مسئله یا مشکل سیاستی دارد که در دستور کار مقامات محلی قرار گرفته است. هر اندازه سؤال سیاسی پیچیده‌تر و پیامدهای آن گسترده‌تر باشد، پیشنهادها دقیق‌تر مورد نیاز خواهد بود و بنابراین، یک فرایند مشارکتی دقیق‌تر کاربردی‌تر است. موارد مهم دیگری که باید مدنظر قرار گیرند، عبارتند از: زمان و منابع در دسترس و حوزه سیاستی. به‌طور کلی، تمام شیوه‌ها

آمریکای لاتین، ایرلند، کانادا، اوگاندا و آفریقای جنوبی استفاده شد و موفقیت این مدل در سطح بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفت [۶۳]. به‌طور کلی حکومت‌های محلی برنامه‌های بودجه‌ریزی مشارکتی را با اهداف مختلفی از جمله افزایش و مقبولیت و ایجاد حمایت عمومی، دستیابی به توزیع عادلانه‌تر منابع کمیاب، تقویت یادگیری عمومی و ترویج و ارتقای شفافیت در حکومت به کار می‌گیرند. بودجه‌ریزی مشارکتی ذاتاً یک تلاش همکارانه بین شهروندان و حکومت محلی برای ساخت یک جامعه منسجم‌تر است.

۴-۶. حل و فصل مجادلات عمومی^۱

روش حل و فصل مجادلات عمومی مشتمل بر روش‌هایی برای پیشگیری، مدیریت یا خاتمه بخشیدن به مجادلات با استفاده از مذاکره، واسطه‌گری یا داوری است. حل و فصل مجادلات عمومی لزوماً معرف سیاستگذاری یا اجرا نیست، باین حال معمولاً تسهیل، حل مسئله، واسطه‌گری اجتماعی و کمیسیون‌های آشتی را شامل می‌شود. نقاط قوت آن این است که انواع صحیح برنامه‌های حل و فصل مجادلات عمومی می‌توانند به پیشگیری، مدیریت و حل منازعات گروهی و خشونت‌بار کمک کنند؛ وقتی بازیگران از تمامی طیف‌ها و اقلیت‌های سیاسی و اجتماعی در فرایندها حضور دارند به مشروعیت تلاش‌ها برای ارتقای امنیت محلی کمک می‌کنند. نقاط ضعف آن نیز این است که گاهی حتی بهترین سیستم‌های حل منازعه نمی‌توانند فشار بی‌حد اختلاف بین گروه‌های مختلف در یک منطقه شهری را حل و فصل کنند؛ وقتی تمایلی به برقراری صلح وجود ندارد، نهادهایی که برای تقویت آن طراحی شده‌اند محکوم به شکست هستند [۶].

مکانیسم‌های ثبت شکایت: این سازوکار معمولاً به روش‌های رفع نگرانی‌هایی اشاره دارد که افراد یا گروه‌های اجتماعی درباره سیاست‌ها یا فعالیت‌های مقامات محلی دارند. مکانیسم‌های ثبت شکایت^۲ امکان ارائه بازخورد توسط شهروندان را به مقامات در زمینه استانداردهای خدمات دریافتی فراهم می‌کنند. مکانیسم‌های ثبت شکایات زمینه پاسخ‌گویی را فراهم می‌آورند که به کارکنان دولت و مقامات منتخب اجازه می‌دهد تشخیص دهند که خدمات عمومی در کجا به‌صورت ناکارآمد ارائه می‌شود. اگر

1. Public Dispute Resolution
2. Complaints Mechanisms
3. One-Stop Shops
4. Internal Regulations
5. Public Petitions



و دقیق‌تر شود و پیشنهادها برای افراد تصمیم‌گیرنده مفیدتر و در نزد عموم مشروع‌تر خواهند بود. هرچقدر فرایند کوتاه‌تر باشد، پیشنهادها نیز کمتر دقیق و سنجیده خواهند بود. زیرا این امر بدان معناست که زمان کمتری برای تعامل و یادگیری وجود دارد.

و الگوها، دارای مزایا و معایبی هستند که باید در زمان انتخاب مدنظر قرار گیرند. هرچقدر فرایند مشارکتی طولانی‌تر باشد و افراد بیشتری در آن مشارکت کنند، زمان و منابع بیشتری مورد نیاز خواهد بود، اما این امر می‌تواند منجر به پیشنهادهای حساب‌شده‌تر

۷. ارزیابی فرایند تصمیم‌گیری مشارکتی



متخصص باشند.

شفاف: انتخاب ارزیابان فرایند و تدوین گزارش نهایی یک فرایند مشارکتی باید شفاف و واضح باشد. شواهدی که ارزیابی بر آن استوار است باید منتشر شوند تا جایی که مانعی برای ارزیابی‌های صریح یا به خطر انداختن محرمانگی نباشد.

مبتنی بر شواهد: ارزیابی‌ها باید بر اساس داده‌های معتبر و قابل اعتماد باشد. شواهد را می‌توان از طریق روش‌های مختلفی مانند نظرسنجی، مصاحبه، مشاهده و ... جمع‌آوری کرد.

دسترسی: ارزیابان باید به منابع مالی و اطلاعات لازم برای ارزیابی فرایند دسترسی داشته باشند؛ از جمله صداهای ضبط‌شده و دسترسی (در صورت لزوم کنترل‌شده) به بحث‌های گروهی.

سازنده: یک ارزیابی مفید به سازمان‌دهندگان و مقامات سفارش‌دهنده اجازه می‌دهد تا شیوه‌های خوب را بیاموزند و کاستی‌ها را برای اطلاع‌رسانی به فرایندهای آینده شناسایی کنند. ارزیابی باید بر کیفیت و تأثیر یک فرایند مشارکتی متمرکز باشد [۱۷].

به‌طور کلی ارزیابی‌های فرایندهای مشارکتی می‌تواند توسط سه گروه صورت بگیرد که می‌توانند مکمل همدیگر نیز باشند:

ارزیابی مستقل: ارزیابی‌های مستقل جامع‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای ارزیابی یک فرایند مشارکتی است. ارزیابان مستقل، بهترین موقعیت را برای ارائه یک ارزیابی عینی و منصفانه از یک فرایند مشورتی دارند. ارزیابان در صورتی مستقل تلقی می‌شوند که هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با موضوع سیاستی نداشته باشند، در طراحی یا اجرای فرایند مشورتی دخالتی نداشته باشند و از نظر عملکردی مستقل از افراد مشارکت‌کننده باشند. ارزیابان مستقل باید در روش‌های ارزیابی، دموکراسی مشارکتی و درک آنچه یک مشورت عمومی با کیفیت بالا مستلزم آن است، تجربه داشته باشند. ارزیابی‌های مستقل می‌توانند از طیف وسیعی از روش‌ها استفاده کنند که شامل مشاهده فرایند از ابتدا تا انتها، انجام نظرسنجی از اعضا، مصاحبه و ... است.

ارزیابی فرایندهای مشارکتی به‌عنوان عنصر اساسی یک سیاستگذاری تجویز و توصیه می‌شود. ارزیابی به‌موقع، اعتماد سیاستگذاران، عموم مردم و ذی‌نفعان را به هر توصیه‌ای که توسط یک نهاد ارائه می‌شود، تقویت می‌کند. زیرا می‌تواند سطح کیفیت، استحکام و بی‌طرفی یک فرایند مشارکتی را نشان دهد. با قرار دادن یک فرایند در معرض ارزیابی، مقاماتی که آن را سفارش می‌دهند تعهد خود را به شفافیت و کیفیت نشان می‌دهند و مشروعیت بیشتری را برای آن به ارمغان می‌آورند. هر فرد یا گروهی نیز که با توصیه‌های نهایی مخالفت کند، نحوه رسیدن اعضای آن به نتیجه‌گیری را می‌تواند به‌دقت بررسی کند تا این فرصت فراهم شود که آیا چنین نقدهایی موجه هستند یا خیر؟

جنبه‌های عملی رویکردهای مشارکتی را می‌توان اندازه‌گیری کرد: مشارکت‌کنندگان حضور داشتند، گفتگو کردند، توصیه‌ها تدوین و ارائه شد و در نهایت مشارکت‌کنندگان پراکنده شدند. اما اینکه آیا به توصیه‌ها عمل می‌شود و وضعیت جامعه محلی تغییر می‌کند یا خیر را نمی‌توان به‌آسانی تعیین کرد. همچنین یکی از معمول‌ترین مسائل این است که آیا تلاش‌های صورت گرفته برای جلب مشارکت شهروندان و استفاده از رویکردهای مشارکتی تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر توسعه سیاستگذاری، اجرا و مهم‌تر از همه دستیابی به اهداف داشته است یا خیر؟ نکته مهم دیگر آن است که فرایند مشارکتی تا چه میزان شفاف، باز و منصفانه بوده است. به‌طور کلی پنج اصل در ارزیابی فرایندهای مشارکتی حائز اهمیت است که می‌تواند به هدایت یک ارزیابی و اطمینان از کیفیت و یکپارچگی آن کمک کند:

مستقل: برای فرایندهای مشارکتی که مدت‌زمان قابل توجهی طول می‌کشد، ارزیابی‌ها باید بی‌طرفانه و در نتیجه مستقل باشند. استقلال مستلزم دوری از روابط نزدیک با کسانی است که این فرایند را مدیریت و اجرا می‌کند. ارزیابان نباید در نتیجه فرایند سهمی داشته باشند و در حالت ایدئال باید در موضوع مشورت

بین اعضای گروه یا از طریق نظرسنجی (زمانی که ارزیابی توسط ارزیابان مستقل انجام می‌شود) اتفاق می‌افتد. معمولاً ارزیابی‌های مستقل به‌عنوان مبنای کارآمدی جهت سنجش فرایند و خروجی یک شیوه مشارکتی توصیه می‌شود. البته ممکن است به‌دلیل محدودیت‌های زمانی و بودجه‌ای امکان‌پذیر یا مناسب نباشند. در چنین مواردی، ارزیابی در قالب گزارش توسط خود اعضا و یا سازمان‌دهندگان نیز می‌تواند اقدام مفیدی برای یادگیری باشد [۶۴].

به‌طور کلی ارزیابی فرایند مشارکتی باید در راستای سنجش دقیق چگونگی ترسیم فرایند و خروجی صورت گرفته باشد و اینکه تا چه اندازه فرایند نظام‌مند و هدفمند تحقق یافته است. ارزیابی به‌موقع و دقیق اعتماد سیاستگذاران، مردم و ذی‌نفعان را نسبت به توصیه‌هایی که توسط یک نهاد مشارکتی تهیه شده است، تقویت می‌کند. زیرا می‌تواند کیفیت و دقت لازم در تولید آنها را نشان دهد.

گزارش دهی توسط اعضای یک فرایند مشارکتی: بیشتر ارزیابی‌های فرایندهای مشارکتی شامل بازخورد از اعضای است که در فرایند حضور داشته‌اند. دیدگاه آنها ارزشمند است. زیرا آنها شخصاً یادگیری، مشورت و تصمیم‌گیری را تجربه کرده و بنابراین می‌دانند چه چیزی به آنها کمک کرده تا کار خود را تکمیل کنند و همچنین چه ویژگی‌های فرایندی نیاز به بهبود دارند. معمولاً ارزیابی توسط اعضای گروه به بهترین وجه به‌عنوان بخشی از ارزیابی گسترده‌تر توسط ارزیابان مستقل که در موقعیت بهتری برای بررسی دیدگاه مقایسه‌ای هستند، استفاده می‌شود.

ارزیابی توسط سازمان‌دهندگان: در برخی فرایندهای مشارکتی کوچک‌تر و کوتاه‌تر، ارزیابی و انعکاس اغلب به شکل گزارش توسط خود گروه سازمان‌دهنده انجام می‌شود. سازمان‌دهندگان افرادی هستند که یک فرایند را اجرا کرده‌اند. گزارش دهی توسط خود سازمان‌دهنده اغلب به‌عنوان یک بحث باز

۸. نتیجه‌گیری



اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالی قدر تقلید حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یک‌هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاولی سال یک‌هزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.

در اصول متعدد قانون اساسی به‌عنوان مهم‌ترین سند حقوقی کشور نیز بر مشارکت (مستقیم یا غیرمستقیم و از طریق مردم‌سالاری نمایندگی) مردم در اداره امور کشور تأکید شده است. مهم‌ترین نهادی که در راستای تسهیل مشارکت مردم در سطح محلی و در قانون اساسی پیش‌بینی شده است، شوراهای اسلامی شهر و روستا به‌عنوان شوراهای پایه هستند که اصل هفتم قانون اساسی در کنار مجلس شورای اسلامی از آنها به‌عنوان «ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور» یاد می‌کند. در اصل یک‌صدم قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز تشکیل شوراهای اسلامی را جهت پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم و با توجه به مقتضیات محلی پیش‌بینی کرده است.

در دنیای امروز افزایش اعتماد به دولت و نهادهای دموکراتیک از طریق اعطای نقش مؤثرتر به مردم در فرایند تصمیم‌گیری عمومی حاصل می‌شود. برای حکمرانی کارآمد در سطح محلی و منطقه‌ای نیز توجه به روش‌های مشارکتی مستقیم و باکیفیت مرتبط با فرایند تصمیم‌گیری ضروری است. مشارکت شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری، عنصر کلیدی مردم‌سالاری محلی است. امروزه مشارکت شهروندان دیگر یک گزینه نیست، بلکه یک نیاز ضروری است. تأسیس و تداوم نظام جمهوری اسلامی ایران نیز مبتنی بر مشارکت و حضور گسترده مردم بوده است. وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، تعیین نوع سیستم سیاسی در فروردین ماه سال ۱۳۵۸، برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی در مردادماه سال ۱۳۵۸ و تصویب نهایی قانون اساسی در همان سال با مشارکت مردم رخ داده است. در واقع نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه دو رکن دین محوری (مشروعیت الهی) و مشارکت محوری (مقبولیت مردمی) شکل گرفته است.

در اصل اول قانون اساسی نیز به این موضوع اشاره شده است: «حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب



- [1] Wang, Xiaohu, "Assessing Public Participation in U.S. Cities", *Public Performance & Management Review*, vol. 24, no. 4, pp. 322-336, 2001.
- [2] Creighton, James, *The Public Involvement Manual*, University Press of America, 1984.
- [3] Holum, Marthe, "Citizen Participation: Linking Government Efforts, Actual Participation, and Trust in Local Politicians", *International Journal of Public Administration*, vol. 46, no. 13, pp. 915-925, 2022.
- [4] Kauzya, John-Mary, "Political Decentralization in Africa: Experiences of Uganda, Rwanda and South Africa", in *Decentralizing Governance: Emerging Concepts and Practices*, Brookings Institution Press, 2007, Washington: Brookings.
- [۵] ترمان، علی‌اکبر، ملکوتی، حسین. تأملی بر مفهوم حق رأی با رویکرد ارتقای میانی نظری حق انتخاب شدن اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا در پرتو قانون اساسی، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، دوره ۱۴، شماره ۳۱، ۸۳-۱۱۱، ۱۴۰۲.
- [6] Sisk, Timothy, *Democracy at the Local Level: The International IDEA Handbook on Participation, Representation, Conflict Management, and Governance*, International IDEA, 2001.
- [7] The Congress of Local and Regional Authorities, "Beyond Elections: The Use of Deliberative Methods in European Municipalities and Regions", Council of Europe, Paris, 2022.
- [8] Azfar, Omar, Kähkönen, Satu, Meagher, Patrick, "Conditions for Effective Decentralized Governance: A Synthesis of Research Findings", IRIS Center, University of Maryland. The World Bank, 2001.
- [9] Brinkerhoff, Jennifer. Brinkerhoff, Derick. McNulty, Stephanie, "Decentralization and Participatory Local Governance: a decision space analysis and application to Peru", in *Decentralizing Governance: Emerging Concepts and Practices*, Brookings Institution Press, 2007, pp. 189 - 212.
- [10] Carson, Lyn. Elstob, Stephen, "Comparing participatory and deliberative democracy", New Democracy Foundation, 2019.
- [11] Gastil, John. Levine, Peter, *The Deliberative Democracy Handbook: Strategies for Effective Civic Engagement in the Twenty-First Century*, Jossey-Bass, 2005.
- [۱۲] ساداتی‌نژاد، مهدی و شیرازی، علی. بررسی مقایسه‌ای مبانی معرفت‌شناختی در نظریه مردم‌سالاری دینی و نظریه دموکراسی مشورتی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی(ره) و یورگن هابرماس، جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۷، شماره ۲۱، ۱۳۹۵.
- [۱۳] لیت، مارتین، یورگن هابرماس و دموکراسی مشورتی (۱)، نامه مفید، مترجم: مهدی براتعلی‌پور، شماره ۲۴، ۱۳۷۹.
- [۱۴] پایک، جان، کتاب فرهنگ اصطلاحات فلسفه سیاسی، مترجمان: محمدعلی تقوی، محمدجواد رنجکش: تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۱.
- [۱۵] محمودیان، محمدرفیع، دموکراسی، اخلاق و عقلانیت، تهران: طرح نو، ۱۳۹۲.
- [16] Pateman, Carole, "Participatory Democracy Revisited", *Perspectives on Politics*, vol. 10, no. 1, pp. 7-19, 2012.
- [17] OECD, *Innovative Citizen Participation and New Democratic Institutions: Catching the Deliberative Wave*, Paris: Organisation for Economic Co-operation and Development, 2020.
- [18] Bardhan, Pranab, "Decentralization of Governance and Development", *Journal of Economic Perspective*, vol. 16, no. 4, pp. 185-205, 2002.
- [19] Muriu, Abraham Rugo, "Decentralization, citizen participation and local public service delivery: A study on the nature and influence of citizen participation on decentralized service delivery in Kenya", *Schriftenreihe für Public und Nonprofit Management*, Potsdam, 2013.
- [20] Azfar, Omar. Kahkonen, Satu. Lanyi, Anthony, Meagher, Patrick. Rutherford, Diana, "Decentralization, Governance and Public Services: The Impact of Institutional Arrangements", in *Devolution and Development: Governance Prospects in Decentralizing States*, IRIS Center, University of Maryland, 2004, p. Routledge.
- [21] Hayden, Goran, "Decentralized Governance in Weak States", in *Decentralizing Governance: Emerging Concepts and Practices*, Washington, Brookings Institution Press, 2007, pp. 212-228.
- [22] Blunt, Peter, Turner, Mark, "Decentralization, Deconcentration, and Poverty Reduction in the Asia Pacific", in *Decentralizing Governance: Emerging Concepts and Practices*, Washington, Brookings Institution Press, 2007, pp. 115-130.
- [23] Stoker, Gerry, "Local Governance and Democracy in the Twenty-first Century", in *Democracy At the Local Level: The International IDEA Handbook on Participation, Representation, Conflict, Management & Governance*, International IDEA Handbook Series 4, 2001, pp. 29-34.
- [۲۴] زمانی، سمیه. مطالعه تطبیقی شیوه‌های مشارکت عمومی در فرایند قانونگذاری و پیشنهادهایی برای مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۴۰۲.
- [25] Knobloch, Katherine. Barthel, Michael. Gastil, John, "Emanating Effects: The Impact of the Oregon Citizens' Initiative Review on Voters' Political Efficacy", *Political Studies*, vol. 68, no. 2, pp. 426-445, 2019.

- [26] Ploštajner, Zlata. Mendeš, Ivona. How to Improve Development on Local Level: Handbook with Best Practice Examples from South-East Europe, Zagreb: Friedrich Ebert Stiftung, 2004.
- [27] Juan, Ugarriza. Caluwaerts, Didier . Democratic Deliberation in Deeply Divided Societies: From Conflict to Common Ground, London: Palgrave Macmillan, 2014.
- [28] Chwalisz, Claudia, The People's Verdict: Adding Informed Citizen Voices to Public Decision-Making, Policy Network, 2017.
- [29] Moynihan, Donald , "Citizen Participation in Budgeting: Prospects for Developing Countries", in Participatory Budgeting (Public Sector Governance and Accountability), Washington, World Bank Publications, 2007, pp. 55-87.
- [۳۰] امید زنجانی، عباسعلی. ابعاد فقهی مشارکت سیاسی، در مجموعه مقالات مشارکت سیاسی، تهران: انتشارات سفیر، ۱۳۷۷.
- [۳۱] صابریان، علیرضا. مشارکت سیاسی در نظام اسلامی، حق یا تکلیف؟، فصلنامه دین و سیاست، شماره ۱۳-۱۴، صص. ۱۰۳-۷۹-۱۳۸۶.
- [۳۲] جوادی آملی، عبدالله. نسبت دین و دنیا (بررسی و نقد نظریه سکولاریسم)، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷.
- [۳۳] مصباح یزدی، محمدتقی. حقوق و سیاست در قرآن، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۷۶.
- [۳۴] حائری، سید کاظم. یوسفی، احمدعلی. اقتصاد اسلامی و روش کشف آن از دیدگاه شهید صدر رحمه‌الله، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱، صص. ۴۲-۲۱-۱۳۸۰.
- [۳۵] مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه، قم: بهار دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۴.
- [۳۶] جوادی آملی، عبدالله. ولایت فقیه، ولایت فقهات و عدالت، قم: انتشارات مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵.
- [۳۷] فیرحی، داود. مبانی فقهی و کلامی حزب در مذهب شیعه، در مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی جلد ۳، تهران: انتشارات همشهری، ۱۳۷۸.
- [۳۸] موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام. ترجمه و شرح نامه ۵۳ نهج البلاغه (عهدنامه مالک اشتر)؛ بخش پنجم: جلب رضایت مردم، ۱۳۹۵/۱۱/۲۵. [آرگون خطی]. Available: B2n.ir/m23957. [دستیابی در ۱۴۰۳/۷/۸].
- [۳۹] موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س). تعبیر امام خمینی: آگاهی، مشارکت و نظارت مردم بر حکومت بزرگترین ضامن حفظ امنیت جامعه است، ۱۴۰۲/۶/۲۰. [آرگون خطی]. Available: B2n.ir/h63982. [دستیابی در ۱۴۰۳/۷/۸].
- [۴۰] کلانتری، ابراهیم. قاضوی، حسن. انوریان اصل، حامد. درآمدی بر مبانی مشارکت در اندیشه سیاسی اسلام، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۶، صص. ۶۸-۳۹-۱۳۹۰.
- [۴۱] بیرشک، حسین. آهنگری، احسان. سلطانی، اسحاق. تأملی در حکم فقهی مشارکت انتخاباتی در نظام سیاسی اسلام، پژوهش‌نامه فقه اجتماعی، دوره ۸، شماره ۱۵، صص. ۶۶-۴۳-۱۳۹۸.
- [۴۲] موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س). وصیت من به ملت این است در تمام انتخابات در صحنه باشند، ۱۳۶۸/۳/۱۵. [آرگون خطی]. Available: B2n.ir/q73206. [دستیابی در ۱۴۰۳/۸/۶].
- [۴۳] دلیلی، احمد. مشارکت سیاسی در اندیشه اسلام و غرب، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، دوره ۱۶، شماره ۲۷، صص. ۱۱۶-۹۰-۱۳۷۸.
- [۴۴] کریمی، سعید. رسانه‌ها و راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، تهران: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- [۴۵] پایگاه گسترش آراء و اندیشه‌های امام خمینی رحمه‌الله علیه. سخنرانی امام خمینی(ره) در جمع اهالی کرج، ۱۳۵۸/۳/۸. [آرگون خطی]. Available: farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh-imam-khomeini/vol/8/page/5. [دستیابی در ۱۴۰۳/۸/۵].
- [۴۶] پایگاه گسترش آراء و اندیشه‌های امام خمینی رحمه‌الله علیه. سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۱۲/۲۸. [آرگون خطی]. Available: https://farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh-imam-khomeini/vol/14/page/204. [دستیابی در ۱۴۰۳/۸/۷].
- [۴۷] موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام. ترجمه و شرح نامه ۵۴ نهج البلاغه: بیعت شکنی طلحه و زبیر، ۱۳۹۶/۴/۱۴. [آرگون خطی]. Available: B2n.ir/d18292. [دستیابی در ۱۴۰۳/۸/۵].
- [۴۸] رحمت الهی، حسین. آقامحمدآقایی، احسان. کاکا، فاضل. جایگاه مشارکت در اندیشه سیاسی اسلام، پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۱، شماره ۳، صص. ۶۰۰-۵۷۵-۱۳۹۴.
- [۴۹] مرتضوی، خدایار. جایگاه شورا در نظام مردم‌سالاری دینی، در مجموعه مقالات مردم‌سالاری دینی، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷، صص. ۱۴۶-۱۲۳.
- [۵۰] احمدی، علی. مشورت در اسلام، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۸۳.
- [۵۱] فیرحی، داود. فقه و سیاست در ایران معاصر؛ فقه سیاسی و فقه مشروطه، تهران: نشر نی، ۱۴۰۰.
- [۵۲] مکارم شیرازی، ناصر. پیام قران جلد ۱۰، قم: بهار دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.
- [53] The Congress of Local and Regional Authorities, "Albania Handbook on Transparency and Citizen Participation", http://partnersalbania.org/wp-content/uploads/2019/05/Handbook%20Albania_eng_WEB.pdf, Strasbourg, 2018.
- [۵۴] حسینی، سیدمحمد مهدی و گرجی مهلبانی، یوسف و سامه، رضا و باقریان، محمدصابر. مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی و طراحی پروژه‌های زیرساختی، معماری و شهرسازی پایدار، دوره ۱۰، ش ۲، ۱۴۰۱.
- [۵۵] کریمی‌فرد، حسن. اصول و ضوابط حکومت باز در سطح محلی؛ پیشنهادهای برای شوراها و شهرداری‌ها، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۹.
- [56] OECD, "Empowering Public Understanding: Citizen Dialogue in Budgeting", Organisation for Economic Co-operation and Development, [https://one.oecd.org/document/GOV/SBO\(2024\)17/en/pdf](https://one.oecd.org/document/GOV/SBO(2024)17/en/pdf), 2024.
- [57] Center on Democracy, Development and the Rule of Law, "What is Deliberative Polling?", 2024. [Online]. Available: <https://deliberation.stanford.edu/what-deliberative-pollingr>. [Accessed 8/ 7/ 2024].
- [58] Center on Democracy, Development and the Rule of Law, "Deliberative Democracy Lab to Demonstrate Deliberative Polling Method at the 2023 Nobel Prize Summit.", 12/ 5/ 2023. [Online]. Available: <https://cddrl.fsi.stanford.edu/news/deliberative-democracy-lab-demonstrate-deliberative-pollingr-method-2023-nobel-prize-summit>. [Accessed 8/ 7/ 2024].



[59] UK's public participation charity, "Deliberative Polling", 3/ 5/ 2024. [Online]. Available: <https://involve.org.uk/resource/deliberative-polling>. [Accessed 8/ 7/ 2024].

[۶۰] فلاح‌زاده، محمدعلی. تحولات حق استماع در حقوق اداری انگلستان و ایران، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۵، شماره ۴۱، ۱۳۹۳.

[۶۱] گلکار، کوروش. چشم‌انداز شهر/ محله پیشنهاد یک چارچوب مفهومی برای صورت‌بندی بیانیه چشم‌انداز، هنرهای زیبا، دوره ۲۴، ۱۳۸۴.

[۶۲] حبیب‌نژاد، سید احمد و عامری، زهرا. نقش مشارکت مردم در وضع مقررات شهری؛ مطالعه تطبیقی در حقوق غرب و ایران، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۳، شماره ۶، ۱۳۹۸.

[۶۳] علی‌بیگی، امیرحسین و گراوندی، شهپر و قبادی، پرستو. بودجه‌بندی مشارکتی؛ ابزاری نوین در پژوهش‌های مدیریت روستایی، در همایش ملی توسعه روستایی، تهران، ۱۳۹۱.

[64] OECD, "Evaluation Guidelines for Representative Deliberative Processes", OECD Publishing, Paris , 2021.

گزیده سیاستی

اعطای نقش مؤثر به مردم در سطح محلی به‌عنوان نزدیک‌ترین سطح تماس حاکمیت با جامعه بر اساس رویکردهای مشارکتی، انتشار اطلاعات، مشاوره، تصمیم‌گیری و ثبت شکایات به یکی از ارکان موفقیت تمرکززدایی و تقویت اعتماد عمومی تبدیل شده است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir